



امریکا و بریتانیا از
شهروندان شان خواستند
تا هر چه زودتر افغانستان
را ترک کنند

صفحه ۲

ادعای سقوط شهر شبرغان
به دست طالبان

صفحه ۲

با وجود سقوط بنادر، فعالیت
تجاری مثل گذشته جریان دارد



صفحه ۳

جبهه مقاومت افغانستانی ها در
برابر طالبان برای تقویت روحی
به کمک ایالات متحده نیاز دارد

صفحه ۵

یادداشت روز

مسئولیت شورای امنیت سازمان ملل، اقدام قاطعانه است نه توصیه

دو روز قبل، شورای امنیت سازمان ملل، نشست ویژه‌ای را در مورد افزایش حملات طالبان بر شهرها و ارتکاب جنایات جنگی برگزار کرد. این نشست که به درخواست وزارت خارجه‌ی دولت افغانستان برگزار شده بود، با حضور اعضای دائم و مؤقت شورای امنیت سازمان ملل، در مورد افزایش حملات طالبان و کمرنگ شدن روند سیاسی برای حل منازعه‌ی جاری به گفت‌وگو پرداخت و در پایان نشست، اعلامیه‌ای صادر شد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، قدرتمندترین نهاد بین‌المللی است که مسئولیت دارد امنیت، نظم و آرامش را در جهان برقرار و با اخلال‌گران امنیت جهانی، طرف‌های متجاوز، گروه‌های تروریستی، حامیان گروه‌های تروریستی و مرتکبین جنایات جنگی و ضدبشری قاطعانه برخورد کند.

اما برعکس این وظیفه‌ی ذاتی شورای امنیت سازمان ملل...

۲

مارشال دوستم در دیدار با غنی خواستار اعلام «وضعیت نظامی» در کشور شده است

رئیس‌جمهور اشرف غنی با مارشال عبدالرشید دوستم، معاون پیشین ریاست‌جمهوری و رهبر حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان دیدار کرده است. این دیدار پیش از ظهر دیروز (شنبه، ۱۶ اسد) در ارگ ریاست‌جمهوری انجام شده است. ارگ گفته که در این دیدار درباره‌ی وضعیت عمومی امنیتی کشور، به‌ویژه وضعیت امنیتی ولایات شمال بحث و گفت‌وگو شده است.



صفحه ۲

ترجمه ۴

درآمدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۴)

روش‌ها که به بهترین وجه به کار برده شود، ممکن است چندان روشن نباشد که چه هستند و چگونه به کار برده می‌شوند. برای مثال، دیدیم که ابزار صواب/درست همیشه باید اصل تناسب را رعایت کند؛ یعنی، ما باید به تناسب خشونت که با آن مقابله می‌کنیم، معادل با آن، نیروی عدم خشونت را با توجه به اقتضای موقعیت...

فعال‌سازی انرژی مقاومت عاری از خشونت راه‌های خلاقانه بی‌شمار برای به‌کاربردن انرژی مقاومت عاری از خشونت وجود دارد و هرچند همه‌ی آن‌ها از این اصل که ما نباید علیه خوشبختی حقیقی‌ای هیچ‌کسی باشیم و لازم نیست باشیم - چون نیازهای اساسی واقعی همه‌ی ما در تضاد و تعارض نمی‌باشند - بهترین ابزارها/

گزارش ۷



بازار گرم لیلان وسایل خانه در کابل؛ فرار و آوارگی کلید خورده است

به قول معروف «با مهاجرت شدن هیچ‌جایی به آدم حلوا نمی‌دهد اما حداقل آدم را نمی‌کشد». این جمله دلیل اکثر مردم افغانستان است که تلاش می‌کنند از...

گزارش

کمیسیون حقوق بشر:

طالبان ۲۷ غیر نظامی را در ولسوالی مالستان غزنی «عمدا» کشته‌اند

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که جنگ‌جویان گروه طالبان با کشتار «عمدی» غیرنظامیان در ولسوالی مالستان ولایت غزنی، مرتکب «جنایت جنگی» شده‌اند.

کمیسیون حقوق بشر دیروز (شنبه، ۱۶ اسد) با نشر گزارشی گفته است که طالبان در پی سقوط ولسوالی مالستان در تاریخ ۱۹ سرطان، ۲۷ غیرنظامی را در این ولسوالی به گونه‌ی «بی‌رحمانه» و عمدی به قتل رسانده‌اند.

به نقل از گزارش، در این مدت ۱۰ غیرنظامی دیگر توسط جنگ‌جویان این گروه زخمی شده‌اند. کمیسیون حقوق بشر همچنین گفته است که...

۳

New Semester
July 31, 2021

Join us to Actualize your Academic Dreams!

خانه
موفقیت
The
TOEFL HOUSE
Unlock the World with TOEFL

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

شعبه کوه سگی: گولابی دوخانله، ایستگاه سابقه.
شعبه برجی: ایستگاه بنغازه، رویروی جلیلی ستر.
شعبه سلیم کلونی: سردانچه چهل متره، چهارپایه سلیم کلونی.

TOEFL House

ادامه‌یادداشت‌روز

نشست ویژه‌ی این نهاد سازمان ملل در مورد افزایش خشونت‌ها در افغانستان، با صدور اعلامیه‌ای مبنی بر محکومیت حملات طالبان و دعوت از این گروه به پیشبرد روند سیاسی برای حل منازعه‌ی جاری پایان یافت. عالی‌ترین و قدرتمندترین نهاد بین‌المللی، خشونت‌های خونبار و رقت‌انگیز را که در افغانستان جاری است محکوم و در ضمن محکومیت، توصیه‌هایی نیز صادر کرد.

برخلاف روح خنثا و بی‌جان اعلامیه‌ی پایانی نشست ویژه‌ی شورای امنیت سازمان ملل، وضعیت در افغانستان اما بسیار وخیم و خونین است. بنا بر آمار اعلام‌شده توسط سازمان ملل متحد، فقط در یک ماه گذشته، دست‌کم ۱۵۰۰ غیرنظامی در افغانستان کشته و زخمی شده است. در همین بازه‌ی زمانی، کشته‌ها و مجروحین طالبان و نیروهای امنیتی افغانستان به چند هزار نفر می‌رسد. اعدادی که تلفات و مجروحین ملکی و نظامی جنگ افغانستان را بازتاب می‌دهد، فقط بخشی از فاجعه‌ی است که در افغانستان جریان دارد. در خشونت‌های اخیر، بیش از ۵۰ هزار خانواده از سراسر کشور بی‌جا و بی‌خانمان شده‌اند. هزاران خانه بر اثر درگیری‌ها تخریب شده یا آسیب دیده است. صدها مکتب، پل، عمارت‌های عام‌المنفعه، مراکز مخابراتی، مراکز درمانی، مسجد و سایر اماکن عمومی تخریب شده یا آسیب دیده است. ده‌ها هزار خانواده در معرض گرسنگی مطلق قرار دارند. این خشونت‌ها، تبعات اقتصادی ناگواری را بر مردم تحمیل کرده است. ده‌ها هزار کودک و دانش‌آموزان دختر، از آموزش بازمانده‌اند. تبعات فزونی گرفتن این خشونت لجام‌گسیخته، گسترده و از فهرست‌گیری خارج است.

شورای امنیت سازمان ملل به‌صورت ویژه و جامعه‌ی جهانی به‌صورت کل، به‌لحاظ نهادی و اخلاقی عمیقاً مسئولیت دارند که به‌صورت اجرایی و قاطعانه با فاجعه‌ی انسانی و بشری جاری در افغانستان برخورد کنند. جامعه‌ی جهانی و به‌خصوص کشورهایی که در دو دهه‌ی گذشته به‌صورت مستقیم در جنگ افغانستان درگیر بوده‌اند، نمی‌توانند چنین سبک‌بال، چشم بر عمق فاجعه‌ی جاری در افغانستان ببندند. عمق خونریزی لجام‌گسیخته‌ی کنونی به حدی رقت‌بار و خونین است که الزامیت دارد جامعه‌ی جهانی، نهادهای بین‌المللی و در رأس آن‌ها شورای امنیت سازمان ملل، به‌صورت فعال، تأثیرگذار و قاطع وارد عمل شده و از گسترده‌شدن این بحران انسانی جلوگیری کنند. جامعه‌ی جهانی باید درک کند که خشونت جاری در افغانستان نیازمند اقدام فوری و قاطعانه است.

طالبان یک خلبان نیروهای هوایی را در کابل ترور کردند

اطلاعات روز: گروه طالبان مسئولیت ترور یک خلبان نیروهای هوایی کشور را بر عهده گرفته است. طالبان از این خلبان به نام حمیدالله عظیمی یاد کرده و گفته است که او را در انفجاری در منطقه‌ی قلعه چهارسوق ولسوالی چهارآسیاب کابل هدف قرار داده‌اند.

پیشتر یک منبع امنیتی به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که یک نظامی در نتیجه‌ی انفجاری در ولسوالی چهارآسیاب کشته و پنج غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. این منبع گفته بود که مابین مقناطیسی در موتر حامل فرد نظامی جاسازی شده بود. در دو روز اخیر، این دومین مورد ترور است که از سوی طالبان در کابل انجام و رسانه‌ای شده است. دو روز پیش، دواخان مینه‌پال، رییس مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت از سوی افراد وابسته به گروه طالبان در ناحیه‌ی هفتم شهر کابل ترور شد.

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی با مارشال عبدالرشید دوستم، معاون پیشین ریاست‌جمهوری و رهبر حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان دیدار کرده است. این دیدار پیش از ظهر دیروز (شنبه، ۱۶ اسد) در ارگ ریاست‌جمهوری انجام شده است. ارگ گفته که در این دیدار درباره‌ی وضعیت عمومی امنیتی کشور، به‌ویژه وضعیت امنیتی ولایات شمال بحث و گفت‌وگو شده است. به نقل از اعلامیه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری، مارشال دوستم گفته است: «زمان آن فرا رسیده است که در کنار نیروهای امنیتی و دفاعی در راستای بهبود وضعیت امنیتی کشور و دفاع از ارزش‌ها تلاش کنیم و در برابر دشمن ایستادگی نماییم.»

در همین حال، احسان نیرو، سخن‌گوی

حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان می‌گوید که آقای دوستم در این دیدار پیشنهاد کرده است تا در کشور «وضعیت نظامی» اعلام شود. دوستم گفته است که «وضعیت نظامی» باید در یک نشست بزرگ با حضور رهبران سیاسی در یکی از قطعات کماندو اعلام شود.

به‌گفته‌ی نیرو، مارشال دوستم از رییس‌جمهور غنی خواسته است تا هر چه زودتر یک جلسه‌ی عاجل امنیتی برگزار کند که در آن وزیر دفاع، مشاور امنیت ملی و فرماندهان نیروهای امریکایی نیز حضور داشته باشند. دوستم در این دیدار همچنین خواستار حمایت هوایی نیروهای امریکایی در شمال افغانستان شده است.

احسان نیرو به روزنامه اطلاعات روز گفت که

گفته است که شهروندان بریتانیایی با تماس به این سفارت، برای تأیید برنامه‌های خروج‌شان اقدام کنند. به‌گفته‌ی این سفارت، سطح کمک‌های قنصلوی محدود است و شهروندان بریتانیایی نباید منتظر کمک اداره امور خارجه و کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا در اوضاع بحرانی باشند.

سفارت بریتانیا همچنین گفته است که به‌دلیل تهدیدهای امنیتی، کارمندان این سفارت نمی‌توانند خارج از کابل سفر کنند. این سفارت تأکید کرده است که شهروندان بریتانیایی برای هر گونه سفر از مشوره‌ی امنیتی حرفه‌ای استفاده کرده و با وسایط زرهی سفر کنند.

در اعلامیه آمده است: «هتل‌ها و مهمان‌خانه‌هایی که مورد استفاده اتباع خارجی و دولت افغانستان است، مرتباً تهدید می‌شود. اطمینان حاصل کنید که محل اقامت شما امن است.»

امریکا و بریتانیا از شهروندان‌شان خواستند تا هرچه زودتر افغانستان را ترک کنند

این درحالی است که موج جدیدی از حملات طالبان بر مراکز شهرها آغاز شده است. در روزهای اخیر طالبان بر مراکز ولایت‌های هرات، قندهار، هلمند، نیمروز، فراه، جوزجان، تخار و بدخشان حمله کرده‌اند.

این گروه مدعی است که مراکز ولایت‌های نیمروز و جوزجان را تصرف کرده‌اند. مقام‌های رسمی دولتی تا کنون این ادعاهای طالبان را تأیید نکرده‌اند.

به دنبال افزایش حملات طالبان، نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست افغانستان دو روز پیش برگزار شد. در این نشست افزایش خشونت‌ها، جنایات جنگی و موارد نقض حقوق بشری محکوم شد.

نماینده‌ی سازمان ملل در افغانستان در این نشست خواستار اقدام فوری بین‌المللی برای جلوگیری از بحران حاد بشری و نقض حقوق بشری در افغانستان شد.

درس‌های حضوری دانشگاه‌های ۱۰ ولایت روز شنبه‌ی هفته‌ی آینده آغاز می‌شود

دانشگاه‌های ۱۱ ولایت دیگر کشور دیروز آغاز شد.

این ولایات شامل کابل، قندوز، نیمروز، دایکنندی، بلخ، بادغیس، قندهار، نورستان، سمنگان، پنجشیر و جوزجان می‌شوند. شماری از این ولایات که به‌دلایل خرابی وضعیت امنیتی، درس‌های حضوری دانشگاه‌ها آغاز نشده است.

از جمله‌ی این ولایات، نیمروز دو روز پیش به دست جنگ‌جویان طالبان سقوط کرد. با این حال، سخن‌گوی وزارت تحصیلات عالی گفته است در صورتی که برای شروع درس‌های حضوری در سطح ولایات مشکل به میان آید، شورای علمی هر دانشگاه می‌تواند در این مورد تصمیم بگیرد.

دانشگاه‌ها، مکاتب و دیگر مراکز آموزشی در هشتم جوزای سال جاری در ۱۶ ولایت براساس فیصله‌ی وزارت صحت عامه تعطیل شد.

دو هفته پس از آن، تعطیلی دانشگاه‌ها و مکاتب در سراسر کشور عملی شد. هدف از این تصمیم، جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس کرونا گفته شده بود.

در دوم اسد، وزارت تحصیلات عالی با در نظر داشت فیصله‌ی وزارت صحت عامه، تصمیم گرفت که درس‌های حضوری را در دانشگاه‌های کشور به‌گونه‌ی تدریجی آغاز کند، اما پیش از بازگشایی دانشگاه‌ها، باید تمامی دانش‌آموزان در برابر کرونا واکسین شوند.

مارشال دوستم در دیدار با غنی خواستار اعلام «وضعیت نظامی» در کشور شده است

زودتر کمربندهای امنیتی کابل مستحکم و توسط نیروهای امنیتی کنترل و نظارت شود. به‌گفته‌ی نیرو، دوستم در این دیدار طرحی را نیز در مورد تأمین امنیت میدان هوایی کابل با رییس‌جمهور غنی شریک کرده است. با این حال، سخن‌گوی حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان گفت که تمامی طرح‌ها و خواسته‌هایی که از سوی مارشال دوستم در این دیدار مطرح شده، از سوی رییس‌جمهور غنی نیز پذیرفته شده است.

نیرو گفت که دوستم در پایان دیدار، خطاب به رییس‌جمهور غنی گفته است که به او اعتماد کند؛ زیرا او یک فرد وطن‌دوست است. این درحالی است که طالبان مدعی است که شهر شیرخان، مرکز ولایت جوزجان، زادگاه مارشال دوستم را تصرف کرده‌اند.

تشدید جنگ در شهر قندوز؛

در کم‌تر از ۲۴ ساعت گذشته، ۱۱ غیرنظامی کشته شدند



اطلاعات روز: منابع صحی در ولایت قندوز تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی درگیری میان نظامیان دولتی و جنگ‌جویان گروه طالبان در شهر قندوز، دست‌کم ۱۱ غیرنظامی کشته شده‌اند.

احسان‌الله فضلی، رییس صحت عامه‌ی قندوز به روزنامه اطلاعات روز گفت که پیکرهای این تعداد غیرنظامی از ناوقت دو شب پیش تا ساعت ۱:۳۰ پس از چاشت دیروز (شنبه، ۱۶ اسد) به شفاخانه‌های شهر قندوز منتقل شده‌اند.

آقای فضلی افزود که در این مدت، ۴۱ زخمی هم از داخل شهر و حومه‌های شهر قندوز به شفاخانه‌های شهر قندوز انتقال داده شده‌اند. او تأکید کرد که امکان افزایش ارقام کشته‌شدگان و زخمیان وجود دارد.

از سویی هم، رییس صحت عامه‌ی قندوز گفت که هم‌اکنون درگیری‌ها به‌صورت پراکنده در چند نقطه‌ی شهر قندوز جریان دارد. او افزود که مسیرهای رفت‌وآمد هم‌اکنون در این بخش‌ها به‌صورت کامل به‌روزی رفت‌وآمد مسدود است.

ولایت قندوز در شمال‌شرق کشور از ولایت‌های ناامن است. در ماه‌های اخیر، این ولایت و شهر قندوز در آن شاهد حملات سهمگین جنگ‌جویان گروه طالبان بوده است. تعدادی از ولسوالی‌های این ولایت هم به‌دست طالبان سقوط کرده است.

ادعای سقوط شهر شیرخان به‌دست طالبان

را از ولایت‌های همجوار جوزجان برای حمله بر شهر شیرخان بسیج کرده‌اند. یکی از منابع نزدیک به مارشال دوستم در مورد سقوط احتمالی شهر شیرخان صحبت نکرد، اما گفت که نیروهای بسیج مردمی وابسته به آقای دوستم تحت قیادت شماری از فرماندهان این حزب از شهر مزارشریف به شیرخان اعزام شده‌اند.

مقام‌های رسمی محلی در جوزجان تا کنون درباره‌ی تازه‌ترین جزئیات از جنگ در شیرخان چیزی نگفته‌اند. اطلاعات روز نیز علی‌رغم تلاش‌های پی‌هم، موفق به برقراری تماس با مقام‌های محلی نشده است.

شهر شیرخان از مدت‌ها به این طرف در محاصره‌ی جنگ‌جویان گروه طالبان قرار داشت. حملات تهاجمی طالبان بر این شهر دو شب پیش از استقامت بندر سرپل از



که در دست‌رس او قرار گرفته، تنها لوای ارتش در کنترل دولت باقی مانده است. یک منبع معتبر در شمال افغانستان می‌گوید که جنگ‌جویان گروه طالبان پس از تصرف ساختمان زندان شیرخان، زندانیان را رها و مدیر زندان و چند تن از افرادش را کشته‌اند. در همین حال، برخی منابع نزدیک به مارشال دوستم می‌گویند که طالبان جنگ‌جویان‌شان

جلیل رونق

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که جنگ‌جویان گروه طالبان با کشتار «عمدی» غیرنظامیان در ولسوالی مالستان ولایت غزنی، مرتکب «جنایت جنگی» شده‌اند.

کمیسیون حقوق بشر دیروز (شنبه، ۱۶ اسد) با نشر گزارشی گفته است که طالبان در پی سقوط ولسوالی مالستان در تاریخ ۱۹ سرطان، ۲۷ غیرنظامی را در این ولسوالی به گونه‌ی «بی‌رحمانه» و عمدی به قتل رسانده‌اند.

به نقل از گزارش، در این مدت ۱۰ غیرنظامی دیگر توسط جنگ‌جویان این گروه زخمی شده‌اند.

کمیسیون حقوق بشر همچنین گفته است که ۲۱ نفر از افراد وابسته به نیروهای امنیتی و خیزش‌های مردم هم توسط طالبان در پی سقوط ولسوالی مالستان کشته شده‌اند. در مورد اینکه طالبان این افراد را در جنگ رودرو و یا هم پس از اسارت کشته‌اند، این کمیسیون به معلومات دقیق و معتبری دست نیافته است.

با این حال در گزارش تأکید شده است که طالبان بیشتر غیرنظامیان را در ساحات میرداینه، شیرداغ و پشی به قتل رسانده‌اند. در گزارش آمده است: «گروه طالبان پس از تصرف ولسوالی مالستان، به تلاشی خانه‌های مردم در ساحات میرداینه، شیرداغ و پشی اقدام کرده و افراد غیرنظامی را که هیچ نقشی در درگیری‌ها نداشته‌اند به صورتی بی‌رحمانه به قتل رسانده است.»

در این گزارش کمیسیون حقوق بشر تأکید شده است که این اقدام طالبان نقض اصول اساسی حقوق بشر دوستانه و قواعد حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی و قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه است. این کمیسیون گفته است که به موجب قواعد حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی، طرف‌های متخاصم مکلفند با کسانی که نقش مستقیم در درگیری‌ها ندارند، رفتار انسانی کنند و نباید به جان، تمامیت اخلاقی و جسمی آنان آسیب برسانند.

کمیسیون حقوق بشر به نقل یک شاهد عینی در مالستان گفته است که طالبان پس از سقوط این ولسوالی، افراد طالبان به دو گروه دسته تقسیم شده بودند: «دسته‌ی اول با نیروهای امنیتی می‌جنگیدند و گروه دوم به منظور شناسایی و تعقیب افراد منتسب به ارگان‌های امنیتی و خیزش‌های مردمی، خانه‌ها را تلاشی می‌کردند.»

به گفته‌ی این شاهد عینی، گروه نخست طالبان غیرنظامیان را در خانه و یا بیرون از خانه گرفتار و پس از خشونت و لت‌وکوب شدید، آنان را تیرباران می‌کردند. او که هفت نفر از اعضای خانواده و بستگانش توسط طالبان به قتل رسیده، افزوده است که این افراد هیچ سهمی در درگیری نداشته و همه دهقان و زراعت‌پیشه بوده‌اند.



کمیسیون حقوق بشر:

طالبان ۲۷ غیرنظامی را در ولسوالی مالستان غزنی «عمدا» کشته‌اند

کمیسیون حقوق بشر به نقل از این شاهد عینی گفته است: «طالبان شوهر خاله‌ی او را که ۷۲ سال عمر داشته و دهقان بوده است، پس از بیرون کردن از خانه‌اش، با دستمال خفه کرده و کشته‌اند و نیز مبلغ ۲۵۰۰۰ افغانی پول نقد از بابت فروش درختانش را از او گرفته و با خود برده‌اند.»

یک شاهد عینی دیگر هم گفته که طالبان شب‌هنگام وارد خانه‌ی یک غیرنظامی که شغل آهنگری و موترفروشی داشته است، می‌روند و کلید موتر او را می‌خواهند. این مرد اما با امتناع از این کار مورد خشم طالبان قرار می‌گیرد و تیرباران می‌شود.

فردای آن شب که پسر ۱۶ ساله‌ی این مرد برای دادخواهی نزد طالبان می‌رود، طالبان او را هم تیرباران می‌کنند.

بر اساس گزارش کمیسیون حقوق بشر، طالبان در هنگام ورود به یک خانه به‌منظور تلاشی، اقدام به تیراندازی می‌کنند و صاحب خانه به علت ترس از حضور طالبان به تهنکوی خانه‌اش می‌رود. در آن هنگام طالبان از حضور

فرزند ۱۹ ساله‌ی این مرد آگاه شده و او را از خانه بیرون و به رگبار گلوله می‌بندند.

همچنین طالبان، در داخل تهنکوی نارنجک می‌اندازند که صاحب خانه از ناحیه‌ی پاها و دست‌ها زخمی شده‌اند.

این کمیسیون همچنین گفته است: «در یک مورد دیگر، طالبان جنازه‌های افراد کشته‌شده توسط خود (جنگ‌جویان‌شان) را با کمک نگهبان بازار میرداینه بر موتر بالا می‌کنند و پس از آن نگهبان را به قتل می‌رسانند تا آمار تلفات آن‌ها را افشا نکنند.»

همچنین این گروه یک خیاط را در مالستان به دلیل عدم ارایه‌ی معلومات در مورد ملکیت‌های حکیم شجاعی، فرمانده خیزش‌های مردمی این ولسوالی، تیرباران کرده‌اند.

افزون بر این‌ها، یک باشنده‌ی روستای زردک مالستان به کمیسیون حقوق بشر گفته که طالبان سه پسر ۱۸ ساله‌ی او را به علت اینکه به مناطق امن رفته بودند، در هنگام برگشت به خانه‌ی‌شان، تیرباران کرده‌اند. همچنین جنگ‌جویان این گروه در هنگام ورودشان به

منطقه‌ی شیرداغ، دو زن را که از خانه‌های شان بیرون می‌شوند، به رگبار می‌بندند و در نتیجه یکی از آنان کشته شده است. زن دیگر هم به دلیل اصابت مرمی طالبان بر چشمش، زخمی و نابینا شده است.

«بی‌جاشدگان جنگ در وضعیت دشوار به‌سر می‌برند» کمیسیون حقوق بشر گفته است که در پی کشتار عمدی غیرنظامیان توسط طالبان در مالستان و ایجاد فضای رعب و ترس، دوهزار و ۵۰۰ خانواده به‌شمول زنان و کودکان از بخش‌های مختلف این ولسوالی به شهر کابل و ولسوالی‌های جاغوری و ناور غزنی آواره شده‌اند.

این کمیسیون در گزارش خود گفته است که خانواده‌های بی‌جاشده در فقدان امکانات اولیه و ضروری در وضعیت سخت و دشواری به‌سر می‌برند. همچنین شماری زیادی از این بی‌جاشدگان به مواد غذایی، آب آشامیدنی صحی، لباس، سرپناه و خدمات صحی و آموزش دسترسی ندارند.

افزون بر این، خانواده‌ها و افرادی که در ولسوالی مالستان به‌سر می‌برند، به دلیل تعطیلی مکاتب و مراکز صحی با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه‌اند.

وضع محدودیت بر زنان

از سویی هم، در گزارش کمیسیون حقوق بشر آمده است که طالبان به باشندگان مالستان اعلام کرده‌اند که پس از این، زنان و دختران‌شان حق بیرون شدن از خانه را بدون محرم و پوشش شرعی ندارند.

این کمیسیون افزوده است که طالبان همچنین گفته‌اند که دختران هم بدون محرم و پوشش شرعی نمی‌توانند به مکتب بروند.

با این حال، این گروه هشدار داده است که متخلفان را مجازات می‌کنند.

کمیسیون حقوق بشر تأکید کرده است که وضعیت حقوق بشری خانواده‌هایی که در ساحات تحت تسلط طالبان قرار دارند، نگران‌کننده است.

با این حال، این کمیسیون از طالبان خواسته است که موازین حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی را رعایت کنند. کمیسیون حقوق بشر تأکید کرده است که ویران کردن تأسیسات عام‌المنفعه و خصوصی، حمله بر اهداف غیرنظامی و در پی آن کشتار افرادی را که نقشی در درگیری‌ها ندارند، از مصادیق جنایت جنگی محسوب می‌شود.

حملات طالبان بر ولسوالی مالستان ولایت غزنی در ۱۹ سرطان آغاز و این گروه در ۲۲ سرطان مرکز این ولسوالی را تصرف کردند. پنج روز پس از آن، نیروهای امنیتی و دفاعی مرکز ولسوالی را از طالبان پس گرفتند اما از طرف شب این نیروها دوباره از مرکز ولسوالی عقب‌نشینی کردند.

وزارت مالیه در ماه جوزا ۷،۳ میلیارد افغانی عواید گمرکی جمع‌آوری کرده بود ولی در ماه سرطان در پی سقوط بنادر این رقم به ۴،۶ میلیارد افغانی کاهش یافت. وزارت مالیه در حالی از کاهش درآمد گمرکی سخن می‌گوید که فعالیت گمرکی حکومت در شهرهای مرزی جریان دارد. خان جان الکوزی می‌گوید که اموال بازرگانان در مراکز شهرهای مرزی در گمرکات دولت محصول می‌شود. سخن‌گوی وزارت مالیه هم می‌پذیرد که این کار انجام می‌شود.

نگرانی بازرگانان از بدتر شدن اوضاع

از سه ماه پیش روند سقوط درآماتیک ولسوالی‌های آغاز شد. در این مدت حدود ۲۰۰ ولسوالی به دست طالبان افتاد. این گروه اما به سقوط ولسوالی‌ها بسند نکرد و شهرها را محاصره و در نهایت به چند شهر مهم حمله کردند. مراکز ولایت‌های هرات، هلمند، جوزجان، تخار و کندز زیر حملات شدید طالبان قرار دارند. در شماری از این ولایات جنگ‌های کوچه‌به‌کوچه جریان دارد و طالبان توانسته‌اند ساختمان ولایت را بگیرند. طالبان در شهر شبرغان، ساختمان ولایت و فرماندهی پولیس را گرفته و نیروهای دولتی عقب‌نشینی کرده‌اند. در لشکرگاه جنگ کوچه به کوچه جریان دارد. زرنج، مرکز ولایت نیمروز بی‌آن که درگیری جدی میان نیروهای دولتی و طالبان رخ دهد، به دست گروه طالبان افتاده است. بازرگانان از کشیده‌شدن جنگ به مراکز شهرها نگرانند و هشدار می‌دهند که اگر وضعیت بهتر نشود، باعث رکود تجارت در افغانستان خواهد شد. خان جان الکوزی با ابراز نگرانی از جنگ در شهرها می‌گوید که اگر این کار ادامه یابد، تجارت را به‌شدت آسیب خواهد زد و باعث خواهد شد که بازرگانان سرمایه‌های‌شان را بیرون کنند. او به‌عنوان نمونه به آتش‌گرفتن دو مارکیت در لشکرگاه بر اثر جنگ اشاره می‌کند که خسارات مالی هنگفتی به بازرگانان و کسبه‌کاران وارد کرده است.

با وجود جنگ شدیدی که میان نیروهای دولتی و طالبان در کشور جریان دارد ولی هنوز فعالیت تجاری متوقف نشده است و صادرات و واردات مثل گذشته ادامه دارد.

می‌کند، نرخ روغن از آن رو که نرخ آن در بازار جهانی بالا رفته است. و آرد هم به گفته‌ی او برای مدتی از حیرتان نمی‌آمد که بالاخره به‌تازگی یک کاروان بزرگ آن از طریق حیرتان وارد شهر شده است و به‌زودی در بازارهای افغانستان می‌رسد: «به‌زودی نرخ آرد پایین می‌آید.»

ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان هم می‌گوید که فعالیت بازرگانی در تمامی بنادر که در اختیار این گروه است به جز گذرگاه سپین بولدک، به گونه‌ی عادی جریان دارد و بازرگانان «به‌سادگی» می‌توانند اموال خود را صادر یا وارد کنند. گروه طالبان دیروز گذرگاه سپین بولدک را بست و اعلام کرد تا اسلام‌آباد روند اعطای ویزا به شهروندان افغان را از سر بگیرد، این گذرگاه را بازگشایی نمی‌کند. سخن‌گوی طالبان می‌گوید در «درصدی کمی» که قبلاً این گروه از بازرگانان به‌عنوان محصول می‌گرفتند، تغییرات نیامده و حالا هم همان مقدار پول می‌گیرد.

خان جان الکوزی هم تأیید می‌کند که طالبان همان محصولی را که قبلاً در مسیر شاهراه‌ها می‌گرفت از بازرگانان می‌گیرند و بس. به گفته‌ی او طالبان تا ۱۲۰ هزار افغانی از هر کانتینر مال تجاری محصول می‌گیرند: «طالبان یک بار که در بندر محصول گرفت، در مسیر شاهراه‌ها دیگر نمی‌گیرد.»

دلیل افزایش نرخ شماری از مواد جدای از مسأله سقوط بنادر، سقوط ارزش افغانی در برابر دالر است. داد و ستد بازرگانان افغان با کشورها با دالر است و وقتی دالر قیمت می‌شود، نرخ مواد به‌صورت خودکار بالا می‌رود. آقای الکوزی، بدتر شدن وضعیت امنیتی - سیاسی را عامل پایین آمدن ارزش افغانی در برابر دالر می‌داند.

کاهش درآمد دولت از گمرکات

وزارت مالیه اما اعلام کرده است که عاید حکومت از بنادر نسبت به دو ماه قبل بیش از دو میلیارد دالر کاهش یافته است. رفیع تابع، سخن‌گوی این وزارت به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در حال حاضر فعالیت وزارت مالیه در بنادر اسلام قلع، تورغندی، ابونصر فراهی، سپین بولدک، آی‌خانم، دندپتان و شیرخان بندر متوقف است. به گفته‌ی آقای تابع،

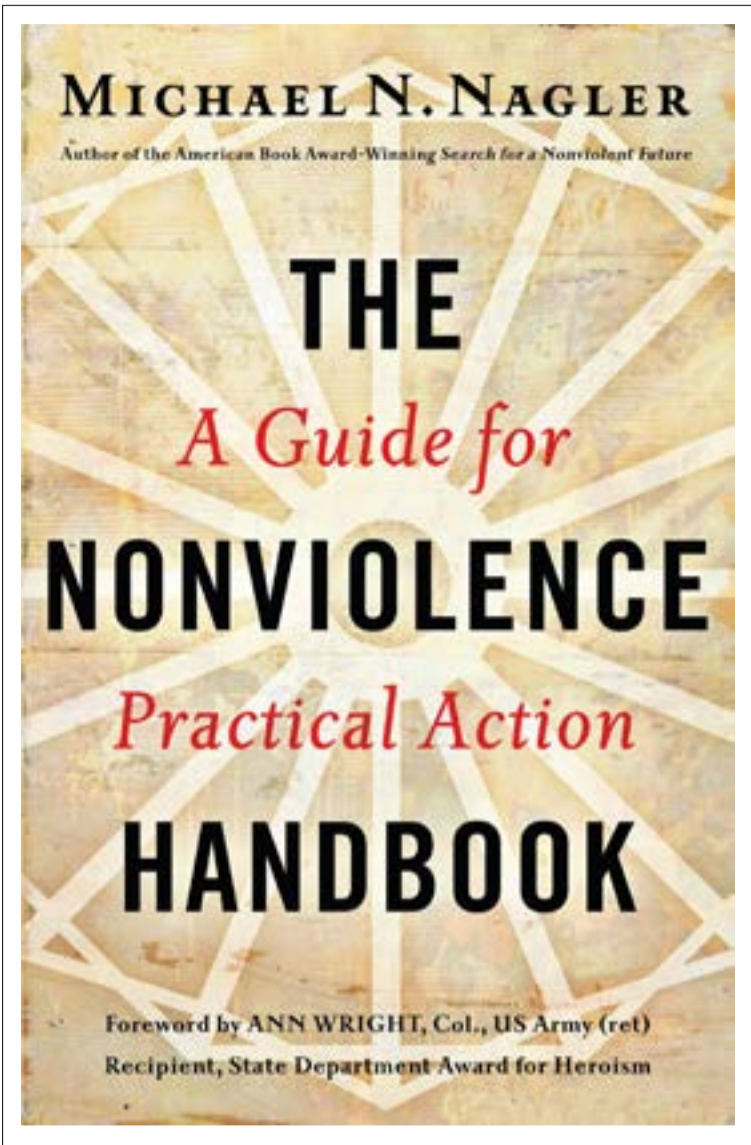
با وجود سقوط بنادر، فعالیت تجاری مثل گذشته جریان دارد



لطف‌علی سلطانی

از حدود یک ماه به این سو، هفت بندر تجاری به دست طالبان سقوط کرده است. بندرهای اسلام‌قلعه، تورغندی، آقینه، شیرخان بندر، ابونصر فراهی، سپین بولدک و دند پتان در پکتیا در اختیار طالبان است. سقوط این بندرها اما تأثیر چندانی روی نرخ‌ها نداشته است. صرف نرخ روغن، آرد و تیل بالا رفته است که خیلی به سقوط بندرها ربط ندارد، زیرا داد و ستد از این بندرها و بندرهای که در اختیار دولت افغانستان است، به گونه‌ی عادی جریان دارد. نرخ سایر مواد مثل زمانی

که بندرها در اختیار دولت بودند، ثابت است. نرخ مواد از آن رو در بندرها بالا نرفته است که طالبان در بندرها همان محصولی را از اموال تجاری می‌گیرند که پیش از این در مسیر شاهراه‌ها از موترهای حامل اموال تجاری می‌گرفتند. اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان می‌گوید صرف نرخ سه قلم مواد در بازار بالا رفته است که دلیل آن سقوط بنادر نیست. به گفته‌ی خان جان الکوزی، معاون این اتاق، نرخ تیل از آن‌رو بالا رفته که طالبان تانکرهای حامل آن را در مسیر راه‌ها به ظن این‌که به نیروهای دولتی می‌رسد، متوقف



درآمدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۴)



هدف نهایی ساتیاگراها، صرفاً ساقط کردن یک سیستم ظالمانه نیست بلکه همچنین جایگزین ساختن یک سیستم مثبت‌تر به جای آن است. این کار افزون بر این که یک اصل است، یک راهبرد هم است: هیچ چیزی برای از میان بردن یک رژیم نامطلوب بهتر از ساختن یک رژیم مطلوب کمک نمی‌کند. چیزی قدرتمندتر از این نیست که جامعه خودش را با چیره شدن بر وابستگی و ستم ارتقا دهد.

اقتدار پایدار اطمینان دهد و می‌تواند یک رژیم سرکوبگر را بدون برانگیختن واکنش‌هایی که این‌گونه تقابل‌ها به وجود می‌آورد، سرنگون کند. مهمترین اقدام این است که یک برنامه‌ی سازنده خوب انکشاف یافته زیربنا را برای یک جامعه جدید، پیش از اینکه جامعه‌ای قدیمی فرو بریزد، بسازد تا از به وجود آمدن خلای قدرت که در آن معمولاً عناصر سرکوبگر جدید رشد می‌کند، جلوگیری کند.

از این‌رو، حتا در منازعات شورش‌گرایانه، برنامه‌های سازنده باید از جایگاه افتخارآمیز برخوردار باشد. مؤرخان و فعالان به یکسان غالباً این بعد غیردراماتیک اما طبیعی و بسیار مؤثر عدم خشونت را فراموش می‌کنند (هرچند در میان برخی از فعالان دست‌کم این رویکرد دارد تغییر می‌کند). این گاندی بود که این اصل را، در مبارزه کم‌نظیر طولانی خویش در آفریقای جنوبی و هندوستان که مبتنی بر مدل مبارزه‌ی پایدار مبتنی بر عدم خشونت بود، معرفی کرد و از این حیث نیز او بی‌مانند بوده است. گاندی طبیعت ذاتاً مثبت عدم خشونت را از رهگذر تأکید بر کار سازنده در جامعه به‌عنوان مکمل مقابله و مقاومت و مؤثر ساختن آن، آشکار کرد. هرچند ما مایلم که راجع به پایان‌های دراماتیک از قبیل راهپیمایی نمک/ساتیاگراها نمک و یا جنبش رهاکردن هندوستان/جنبش آگست به‌عنوان داستان ساتیاگراها در هندوستان، فکر کنیم، اما گاندی یک‌بار

به‌جای آن است. این کار افزون بر این که یک اصل است، یک راهبرد هم است: هیچ چیزی برای از میان بردن یک رژیم نامطلوب بهتر از ساختن یک رژیم مطلوب کمک نمی‌کند. چیزی قدرتمندتر از این نیست که جامعه خودش را با چیره شدن بر وابستگی و ستم ارتقا دهد. این بعد/جهت از مبارزه عاری از خشونت عموماً برنامه‌ی سازنده نامیده می‌شود و در یک دوره طولانی عامل همبستگی در یک جنبش شده و آن‌را متحد نگه می‌دارد. این عامل همبستگی بر فراز یک انرژی خودجوش که ممکن است در مواجهه با بی‌عدالتی شدید فوران کند، ساخته می‌شود و مانع از هدر رفتن انرژی می‌شود وقتی که بی‌عدالتی به چالش گرفته می‌شود و یا جنبش با مقاومت‌های غیرمنتظره مواجه می‌شود، مزیت‌های راهبردی وجود دارد که مبتنی بر این واقعیت است که عدم خشونت به‌عنوان یک نیروی مثبت، همان‌طور که کینگ می‌گوید در اصل مدیون «همکاری با خوب» است تا به «عدم همکاری با شر» هرچند که این عدم همکاری نیز جایگاه خود را دارد.

مزیت‌های راهبردی دیگر نیز از همین اصل ناشی می‌شود. برای مثال، کار کردن باهم برای یک هدف عالی، یک پیوند مؤثر و پایدار در میان مردم خلق می‌کند. کار سازنده می‌تواند به عامه‌ی مردم که ممکن است حتا از مقاومت مبتنی بر عدم خشونت، دچار ترس و نگرانی شوند، به وجود یک

همواره از تجارب خود می‌آموزد، او عین روش را نزدیک به سی سال بعد، وقتی که بریتانیایی‌ها گرفتار جنگ جهانی دوم بودند به گونه‌ای بسیار مؤثر به کار گرفت.

ما واقعا چه می‌خواهیم؟

گاندی در هنر ایجاد توافق در حد و اندازه‌های ماهر و استاد شده بود که مردم غالباً مضطرب می‌شدند که او دارد بیش از حد امتیاز می‌دهد. اما آنان نمی‌فهمیدند که او دارد چیزهایی را واگذار می‌کند که او را در به‌دست آوردن اهداف اصلی‌اش (آزادی هندوستان) کمک می‌کند و او صرفاً داشت اهداف کلان و همه‌شامل را از راهبردهای کوتاه‌مدت متمایز می‌کرد. وقتی در سال ۱۹۲۵، برای مثال، او از محکومیت به زندان طولانی آزاد شد، دریافت که حزب او از یک دودستگی جدی، در خلال غیبت او رنج می‌برده است. گروهی که با نظر او در یک مسأله‌ی مهم مخالفت می‌کرد، اکنون رهبری حزب را به‌دست گرفته بود. چون آن‌ها با استفاده از روش‌های درست به پیروزی رسیده بودند، گاندی تلاش نکرد که مانع کار آنان شود، بلکه او دیدگاه‌های خود را مسلسل ارائه می‌کرد تا دیدگاه آنان را بر هدف مشترک که کار باهمی برای استقلال بود، متمرکز کند.

بسیاری‌ها این منطق را نمی‌فهمید و موضع او را در خصوص قبول دیدگاه جناح مقابل در درون حزب کنگره را به دیده‌ی تردید، می‌نگریستند. لیکن این «تسلیمی» یک تأثیر قوی داشت که از دید نافذ دستیارش پیرلال مخفی نمانده است: «به میزانی که او خود را مطرح نمی‌کرد و از موقف و جایگاه خود گذشت می‌کرد، آنان به او نیاز بیشتر می‌یافتند، وزن و تأثیر او در شورا افزایش می‌یافت. تواضع و خودگذری مطلق وی به او قدرتی داد که هیچ جایگاه و منزلت رسمی در کنگره و خارج از آن به او داده نمی‌توانست.»

ما ممکن است این مورد را با یک رویداد کاملاً متضاد از پولند در دهه ۱۹۸۰ که جنبش همبستگی شکل گرفته بود، مقایسه کنیم. رهبر جنبش همبستگی لخ والیسا، در موقعیت امضای یک موافقت‌نامه مهم با حکومت قرار داشت، وقتی که اعضای اتحادیه کارگری با شتاب‌زدگی افزودند مسأله جدیدی را – عفو اعتصاب‌کنندگان که در جریان اعتراضات سابق توقیف شده بودند – پیشنهاد کردند. والیسا قبول کرد که چنین ماده‌ای را بیفزاید، با این کار منازعه مردم پولند را برای چند سال سخت دیگر امتداد داد و منازعه‌ای که داشت حل می‌شد، به درازا کشید.

لذا واضح است که توانایی ما بر ایجاد توافق بر صورت‌بندی و تمسک به اهدافی خاص، متکی است. پیروی از اصول راهنمای ذیل را در مقام انتخاب چنین اهدافی در خاطر باید داشته باشیم.

– اهداف باید به رفاه بیشتر تمامی جوانب بیفزاید و همیشه چنین نتیجه‌ای قابل شناسایی و تشخیص باشد. به خاطر داشته باشید که بازداشتن یک ظالم از ظلم به همان اندازه که موضوعی است مربوط به رفاه ما به رفاه خود وی نیز مربوط می‌باشد. – هدف هرگز سبک و فاقد ارزش معنوی و یا در خدمت منافع شخصی نباشد. – مطالبات باید انضمامی، عملی و واقع‌گرایانه باشد؛ فقط به‌ندرت از سنخ مطالبات نمادین باشد.

– افزودن مطالبات جدید در فهرست اهداف ما وقتی که کاروزار ما مقداری جذابیت به‌دست می‌آورد، و سوسه‌برانگیز می‌شود که تعامل خود را با مخالفان از یک گفت‌وگوکننده به یک بازیگر قدرت تغییر دهیم. از این اصل گاهی تحت عنوان «ثبات و وضوح اهداف» یاد می‌شود که در معرض ابهام و تغییر نباشد.

درست‌سازی: راز برنامه‌ی سازنده

هدف نهایی ساتیاگراها، صرفاً ساقط کردن یک سیستم ظالمانه نیست بلکه همچنین جایگزین ساختن یک سیستم مثبت‌تر

اقدامات عملی مشخص، وقتی که واضح شود مخالفان ما دارند به ندای ما گوش نمی‌دهند، آماده باشیم.

هنر ایجاد توافق

در هر کاری، از راه‌اندازی یک کسب و کار گرفته تا پلان‌گذاری یک پروژه اقتصادی، تفکیک میان اهداف و استراتژی‌ها بسیار مهم است. اعمال این تفکیک، به‌طور خاص در ساتیاگراها حیاتی است، چون ما می‌خواهیم توانایی بر ایجاد توافق را تا جایی که ممکن است، حفظ کنیم. بنابراین، ما باید برای خود معلوم و مشخص کنیم که نمی‌توانیم اصول بنیادین را – اصولی چون حقیقت‌راستی، کرامت انسانی و آزادی – تحت هیچ عنوانی قربانی کنیم و آن‌ها را از چیزهایی از این قبیل که اعتبار و امتیاز چه چیز به چه کسی برسد که قابل مذاکره‌اند، تفکیک کنیم. غالباً وقتی که می‌فهمیم راضی به توافق نمی‌باشیم، به جهت تعلق ما به نمادها/اسمبول‌ها است. رفتن از جای دل‌خواه و مورد پسند به جای دیگر و یا استفاده از نوارها/روبان‌هایی با رنگ خاص می‌تواند یک موقعیت قابل مدیریت را به نزاع قدرت، میان ما مخالفان ما و یا در صفوف خود ما، تبدیل کند.

برای مثال در خلال یک اشغال اعتراض‌آمیز در فیلادلفیا در سال ۲۰۱۱ معترضان پیشنهاد پیوستن به این جنبش اعتراضی را که از سوی نمایندگان کلیساهای معتبر سیاهان در شهر، داده شده بود، از دست دادند، صرفاً به این دلیل که آن‌ها از معترضان فقط می‌خواستند که از استعمال برخی دشنام‌ها در ملاً عام خودداری کنند، اما متأسفانه معترضان از قبول این درخواست خودداری کردند. آن‌ها یک تاکتیک، و یا در واقع یک خواسته‌ی دقیقاً شخصی بر دشنام‌گویی در ملاً عام، را با هدف عمومی‌شان که محقق‌ساختن عدالت اقتصادی بود، خلط کردند. به اموری، سخت‌گیرانه چسبیدند که قابل مذاکره بودند. و از این‌رو، از به‌دست‌آوردن متحدان بالقوه قدرتمند به سود جنبش‌شان بازماندند.

ما باید همیشه به خاطر داشته باشیم که درگیر جنگ قدرت نیستیم، حالا طرف مقابل هر چه می‌خواهد فکر کند، بلکه درگیر یک فرایند آموزشی هستیم که از این ظرفیت برخوردار است که برای همگان مفید باشد. هدف نهایی ما این است، در صورت امکان، روابط خود را در اسطخ کلان] بازسازی کنیم. اغلب ما می‌توانیم به خوبی درک کنیم که واقعا منازعه‌ای میان انسان‌ها وجود ندارد بلکه فقط نیازهای مشترک است که ما را کمک می‌کند آن‌ها را به اولویت خود تبدیل کنیم و قیمت سنگین منازعه را که بر همه جوانب تحمیل می‌شود، درک کنیم.

برای مثال، پروژه نخست از فعال بزرگ ایتالیایی دانیلو دوسیل که از وظیفه‌ی پرسود خود در میلان دست برداشت تا برای افراد فقیر در سیسیل کار کند، این بود که در نزدیکی شهرک جاتو یک سد بسازد، که مخالف خواست مافیای سیسیل بود. علی‌رغم مخالفت‌ها، دوسیل موفق شد. وقتی که مافیایی‌ها آمدند و اعتراف کردند که «خیلی خوب دانیلو، شما بردید» دانیلو جواب داد «نه همه‌ی ما پیروز شدیم. آب برای شما و برای خانواده‌های شما هم خواهد بود.»

در مقام رعایت این نگرش، گاندی کوشید اصل موسوم به «خجالت‌ندان» را رعایت کند. وقتی مخالف شما گرفتار یک مشکل دیگر است، برای مثال مانند حکومت آفریقای جنوبی در سال ۱۹۱۳ که گرفتار اعتصاب کارکنان راه آهن بود، شما برگردید. ابتکار تحسین‌برانگیز گاندی در خصوص ادب و مهربانی عمومی تأثیر هیجان‌انگیز بر رابطه‌ی او با حکومت داشت، و اراده او مبنی بر این‌که از این طریق توافق ایجاد کند، احتمالاً وسیله‌ای بود برای موفقیت ساتیاگراهی هشت ساله‌ای که برای حقوق جامعه‌ی هندی‌ها بار آن را به دوش کشید.

مایکل ان. ناگلر

مترجم: محمدامین احمدی

فعال‌سازی انرژی مقاومت عاری از خشونت

راه‌های خلاقانه بی‌شمار برای به‌کاربردن انرژی مقاومت عاری از خشونت وجود دارد و هرچند همه‌ی آن‌ها از این اصل که ما نباید علیه خوشبختی حقیقی‌ای هیچ کسی باشیم و لازم نیست باشیم – چون نیازهای اساسی واقعی همه‌ی ما در تضاد و تعارض نمی‌باشند – بهترین ابزارها/روش‌ها که به بهترین وجه به کار برده شود، ممکن است چندان روشن نباشد که چه هستند و چگونه به کار برده می‌شوند. برای مثال، دیدیم که ابزار صواب/درست همیشه باید اصل تناسب را رعایت کند؛ یعنی، ما باید به تناسب خشونتی که با آن مقابله می‌کنیم، معادل با آن، نیروی عدم خشونت را باتوجه به اقتضای موقعیت به کار ببریم. همچنین ابزار و وسایل صواب شامل هنر ایجاد توافق [که اعتماد دو طرف در آن صدمه نبیند] نیز می‌گردد که مستلزم شناخت از اصول قابل مذاکره و اصول غیرقابل مذاکره است. سرانجام ما باید اهداف معینی را در ذهن خود داشته باشیم و باید بدانیم که چگونه می‌توانیم به آن اهداف برسیم. نکته‌ی آخر این‌که، در ذهن داشتن این اصول، به ما کمک خواهد کرد که جنبش عدم خشونت خود را از اساس درست بنیان‌گذاری کنیم.

تناسب

نیروی اجتماعی مقاومت عاری از خشونت، در تناسب با درجه‌ی خصومتی که دارد با آن مقابله می‌کند، باید به کار برده شود. از این‌رو، برای استفاده از امتیاز قدرت ابزار و وسایل درست/صواب، نیازمندیم که بدانیم در کدام یکی از سه مرحله منازعه قرار داریم. اگر در آغاز یک مجادله بیش از حد از نیروی مقاومت عاری از خشونت استفاده کنیم – برای مثال روزه، که شدیدترین اقدام در ساتیاگراها است، بگیریم، پیش از این‌که به مخالف خود این فرصت را بدهیم که برای قبول عدالت متقاعد شود – می‌تواند به همان اندازه غیرمؤثر باشد که ادامه‌دادن اعتراضات در شرایطی که آن نقطه و مرحله که اعتراض‌کننده نتیجه‌ی دلخواه خود را به‌دست آورد، از دست رفته باشد.

این‌که منازعات می‌توانند، شدت یابد، چیزی است که تجارب مشترک فراوان آن را تأیید می‌کند. اما بخشی دیگر از واقعیت که ما غالباً شناختی از آن نداریم این است که مقاومت مبتنی بر عدم خشونت به عین نسبت می‌تواند، شدت یابد. همان‌گونه که کینگ به سال ۱۹۶۷ در جشن کریسمس در باب صلح اظهار داشت «ما همه باید ظرفیت خود را برای تحمیل فشار از رهگذر ظرفیت خود در تحمل رنج، باهم فشرده کنیم.» درجه نیروی روح با درجه نیروی تهدید و یا درجه انسانیت‌زدایی متناسب شود. برای مثال، شتافتن به جنگ عراق در مارچ ۲۰۰۳ میلیون‌ها انسان را در اطراف جهان برای اظهار اعتراض شدیدشان به این جنگ، به خیابان‌ها آورد. وقتی که جورج دبلیو بوش از معترضان کنایه‌آمیز تحت عنوان «گروه نمونه» یاد کرد، آن‌ها را از بدنه‌ی جامعه بشری جدا کرد. با این کار، او در واقع تصدیق کرد که عدم توافق به مرحله دوم رسیده است: نوبت برای به‌کاربردن ساتیاگراها.

این بدین معنا نیست که معترضان و دادخواهان در اشتباه بوده‌اند. ما مطمئناً باید باور خوب به گفت‌وگوها داشته باشیم، حتا اگر ما نسبت به نیت واکنش مخالفان خود تردید داشته باشیم. مذاکره، مشروعیت کاروزار ما را افزایش می‌دهد، ما را برای مقاومت اگر به آن نیاز شد، در موقعیت قوی‌تر قرار می‌دهد. همچنین در همین حال، «زدودن انسانیت‌زدایی» از میان بردن آثار و نشانه‌های انسانیت‌زدایی که نسبت به یک گروه اجتماعی انجام شده است] در درازمدت نتیجه خواهد داد. بلکه همچنین ما باید برای روی‌دست‌گرفتن

جبهه‌ی مقاومت افغانستانی‌ها در برابر طالبان برای تقویت روحی به کمک ایالات متحده نیاز دارد

رونالد نیومن، واشنگتن پست
مترجم: نادر احمدی

افغانستان شوکه شده از پیروزی‌های طالبان و خروج ایالات متحده، بیمناک از دست دادن دستاوردهایی نظیر حقوق زنان، مطبوعات آزاد و مشق‌های مردم سالارانه‌ای است که طی بیست سال گذشته به دست آورده است. من در آخرین سفرم به این کشور، ضمن ملاقات‌هایی با مقامات دولتی، احزاب مخالف و درجه‌داران ارتش به تصویری بسی پیچیده‌تر از وقایع آن‌جا، هرچند با برخی نشانه‌های مثبت، دست پیدا کردم. نخست وضعیت تأسفبار: طالبان با فتح بسیاری از فرمانداری‌ها (ولسوالی)، قطع جاده‌ها، محاصره‌ی پادگان‌های نظامی و پاسگاه‌های پولیس به‌طور قابل توجهی قدرت‌نمایی کرده‌اند. نیروهای آنان با حرکت از جنوب به شرق - جایی که در گذشته شدیدترین نبردها در آن جریان داشته - و حمله به یکی از ضعیف‌ترین پایگاه‌های ارتش افغانستان در شمال، هم‌خارجی‌ها و هم ارتش افغانستان را غافلگیر کرده‌اند. همچنین بسیاری از پایگاه‌های کوچک‌تر که فرماندهان آمریکایی سال‌ها نسبت به آسیب‌پذیری بودن آن‌ها هشدار داده بودند، یا تسلیم شده‌اند یا غارت.

بدون شک ایالات متحده همان‌گونه که در تغییر ساختاری ارتش افغانستان از جمله شیوه‌ی سربازگیری و اصلاح اداری اقداماتی را انجام داد، در قبال دیگر معضلات عمده‌ی این کشور نیز مسئولیت دارد.

به‌رغم قطع ارتباط پادگان‌های دورافتاده‌ی ارتش افغانستان با مرکز، ایالات متحده تجهیزات ترابری هوایی خود، پیمان‌کاران خارجی که خط حمل‌ونقل هوایی یا زنجیره‌ی تأمین افغانستانی‌ها به آنان وابسته بود و نیز افراد فنی که جنگنده‌ها و بالگردهای افغانستان را تعمیر و نگهداری می‌کردند بیرون کشیده است. با توجه به محدودیت توانایی زنجیره‌ی تأمین هوایی افغانستانی‌ها، سربازان با سرنوشت نامعلومی روبه‌رو هستند. نمی‌دانند اگر بچنگند آیا از نظر تسلیحاتی تأمین خواهند شد یا بازم ناگزیر به تخلیه‌ی پایگاه‌هایشان هستند. نکته‌ای که یکی از مقام‌های بلندپایه‌ی افغانستانی نیز با من در میان گذاشت: «ما توان دفاع از نقاط مختلف را داریم اما نه برای بلندمدت.»

با این حال نباید امید را از دست داد. این ذهنیت عمومی که تنها بسیج مردمی مقاومت می‌کند و ارتش افغانستان بی‌تفاوت و منفعل است، نوعی اغراق موضوع است. نیروهای مستقر ارتش در استان [ولایت] هلمند سرسختانه می‌جنگند. مرکز این استان به‌رغم تحمل حمله‌های سنگین در اطراف خود دست‌نخورده باقی مانده است. یکی از دوستان افغانستانی از جنگ پسر عمویش در بدنه‌ی ارتش در استان دورافتاده‌ی نیمروز با من صحبت کرد. بعد از سه روز نبرد سنگین حمله‌ی طالبان دفع شد و اکنون ارتش که نیروی مقاومت مردمی به یاری آنان شتافته‌اند منطقه را باز پس گرفته‌اند.

وقایعی چنین هرچند دست‌بالاداشتن ارتش را اثبات نمی‌کند اما این‌که همه‌چیز را پیشاپیش نابود شده فرض کنیم نیز اغراق‌آمیز است.

بارزترین نشانه‌ی مثبت جنگ با طالبان همانا سنت مقاومت مردمی است. این مقاومت‌ها در برخی از مناطق توسط فرماندهان قدیم جهادی رهبری می‌شود. اما در بسیاری از جاها بسیج مردمی خود این خیزش‌ها را سازماندهی می‌کند. من گزارش‌های دقیقی از نبردهای سنگین در بسیاری از جبهه‌های

خلاق تغییر جهت دادند.

در اواخر سال ۲۰۱۲، برای مثال، [جنبش] اشغال ساندی و اشغال اکلاهاما که حمایت وسیع را برای قربانیان توفان - حمایتی مؤثرتر از آژانس‌هایی چون صلیب سرخ و آژانس مدیریت اضطراری فدرال به ارمنان آورد. همچنین جنبش اشغال، علاوه بر پروژه کاهش قرضه‌ها که توسط شبکه وام‌دهندگان رولینگ جیبلی اجرا شد و به موجب آن قرضه‌های مردم خریداری و لغو می‌شد، مقداری پول تعاونی نیز جمع‌آوری کرد. به عبارت دیگر، جنبش اشغال بعد از این‌که برنامه‌های مسدودکننده و کارشکنانه‌شان خنثا شدند، به برنامه‌های سازنده روی آوردند و اتخاذ این رویکرد، برای آن‌ها طبیعی بود، چون آن‌ها پیشاپیش، علاوه بر آمادگی برای اعتراض، عناصر [برنامه‌های] سازنده از قبیل آشپزخانه [اسیرا] برای پخت غذا و سیستم تصمیم‌گیری‌های قویا دموکراتیک را فراهم کرده بودند.

امروزه در موقعیت‌های حاد نادر، پروژه‌های بسیار و به ظاهر بی‌ارتباط، در طیف وسیع از پروژه‌هایی زراعتی مورد حمایت یک کمیونیتی قرار گرفته تا کوشش به منظور آوردن اصلاح در رسانه، همه کاملاً ستون فقرات انقلاب مبتنی بر عدم خشونت را فراهم می‌کنند - البته اگر ما با انتخاب خود همه‌ی آن‌ها را در یک راهبرد جامع قرار دهیم. همچنین یک نهضت رو به رشد به سوی عدالت ترمیمی به مثابه پاسخ سازنده به انسانیت‌زدایی فاحش و سیستم عدالت غیرمؤثر، وجود دارد. یک جنبش عمدتاً مبتنی بر تقابل و رو به رشد لیکن در چارچوب پارامترهای حقوقی وجود دارد که در مورد از میان بردن این حکم دادگاه عالی که اتحادیه‌ها را دارای هویت شهروندی و بالتبع عینا دارای همان حقوقی دانسته بود که موجودات انسانی می‌داشته باشد (و از لوازم این نظریه این است که حق یک موجود انضمامی انسانی بیشتر از هویت‌های انتزاعی از قبیل اتحادیه‌ها نیست)، مبارزه می‌کند. این پروژه‌ها، به‌طور خاص خودشان را به‌عنوان اجزا و عناصر مؤثر یک استراتژی سازنده، در معرض دید قرار می‌دهد.

رژیم‌های سرکوبگر، معمولاً منتظرند که تظاهرات و یا اعتراضات از میان بروند، لیکن آن‌ها نمی‌توانند در قالب یک صنعت ساده روستایی بمانند. وقتی که آن‌ها می‌کوشند مردم را استعمار کنند و نمی‌توانند یک مکتب آزاد بمانند، وقتی که دارند می‌کوشند شهروندان را در نتیجه‌ی تبلیغات به توده‌ی بی‌شکل و مدعا تبدیل کنند. غالباً به‌دلیل جهت‌گیری خشونت‌بارشان، ستمگران تا دیر نشده نمی‌دانند اقدامات سازنده سلطه‌ی آنان را در معرض خطر زوال قرار می‌دهند. در پیروزی هندوستان، لرد ایروین این لاف مشهور را بر زبان آورد که او حتا از ساتیآگرهای نمک «چرتش خراب نمی‌شود» و لیکن در عالم واقع در نتیجه‌ی این اقدامات سازنده، بریتانیا کل امپراطوری خویش را از دست داد. در این مورد - و ممکن است تنها در این مورد - غفلت جهانیان از مقاومت عاری از خشونت و نادیده انگاشتن آن در واقع به یک امتیاز تبدیل شد!

در یک جهان ایده‌آل، تغییرات انقلابی می‌تواند فقط از طریق برنامه‌های سازنده، بدون این‌که به تهدید ساتیآگرها نیاز شود، تحقق پیدا کند. اما جهان امروز از وضع ایده‌آل بسیار فاصله دارد. در این جهان بهره‌کشی و سرکوب فراوانند و همچنین خشونت ساختاری و فرهنگی در اشکال مختلف، وجود دارد. در چنین جهانی، فرمول‌بندی ایده‌آل از آزادسازی این است که منازعه اصلی را تا حد ممکن از طریق برنامه‌های سازنده کاهش دهیم و با باقی‌مانده، از طریق جدال مبتنی بر عدم خشونت، مقابله کرده و به حاشیه برانیم. در هر جا تا جایی که ممکن است سازنده باشیم و در موارد ضرورت از روش کارشکنانه استفاده کنیم. این راهبرد مطمئناً مسبوق به نیت صواب و استفاده از وسایل و روش‌های درست خواهد بود.

ادامه دارد...

برای یک دوست خود توضیح داد که «سیاست واقعی من کار سازنده است.» جنبش مبتنی بر عدم خشونت تقابلی و یا آن‌چه من دوست دارم که برنامه‌ی کارشکنانه/مسدودکننده بنامم، می‌تواند بسیار مؤثر باشد و در واقع از حیث مهیج بودن این‌گونه است، لیکن در مورد این سخن از جنبش نیازمند است که ما جنبش و انسجام گروهی را تا رسیدن لحظه مناسب، حفظ کنیم. این نوع از عدم خشونت نیز نیازمند است که ما بدون برانگیختن خصومت بی‌مورد مخالفان خود، پیشرفت به‌وجود آوریم و تعهد بنیادین خود را به خوشبختی همگان نشان دهیم. به این ترتیب کمترین زمینه برای تلخی و تندگی بگذاریم، هرچند که هیچ یک از این کارها همیشه آسان نیست. نکته آخر این‌که، ظلم و ستم بر این مفروض دروغین استوار است که افراد تحت ستم درمانده و وابسته‌اند، لیکن مقابله عاری از خشونت همیشه در این امر کمک نمی‌کند که خودما و مردم ما و به موقع بتوانیم ستمگر را متقاعد کنیم که بپذیرد ما می‌توانیم بر سرنوشت خود حاکم بوده و از خود محافظت کنیم.

اغلب اوقات، چاره‌ی چنین مشکلاتی بر طرح‌های عینی، پایدار و پیشگیرانه استوار است. برای مثال، پلیسی اسرائیل از ۱۹۴۸ به بعد با مهارت از ظهور توسعه بومی که توسط خود فلسطینی‌ها ابتکار شده باشد، ممانعت کرده است تا بر میزان وابستگی آنان به اسرائیل بیفزاید. به همین دلیل، مکاتب غیررسمی و بازارهای دادوستد و بسیاری چیزهای دیگر را مردم برای یکدیگر در خلال انتفاضه نخست انجام دادند. این برنامه‌ها، که برای حمایت از قیام حیاتی بود، کذب پیشفرض [ستمگران] را که پیش از این از آن یاد کردیم را نشان می‌دهد.

همچنان، یکی از نخستین کارزارهایی که دولسی با دهقانان سیسیلی به عمل آورد یک برنامه سازنده بود که «اعتصاب معکوس» نامیده شد. روستائیان بدون دریافت مزد، شروع کردند به ساختن جاده برای خودشان که بوروکراسی دولتی نه‌تنها باعث تأخیر آن شده بود بلکه در واقع با آن مخالفت کرده بود. طولی نکشید پولیس آمد که کار را متوقف کند، دولسی و دیگران را به زندان انداخت. لیکن جاده به موقع ساخته شده بود و مردم دریافته‌اند که چگونه مردم می‌توانند جامعه خویش را به دست خودشان انکشاف دهند.

نمونه‌ی سیسیلی، ابعاد دیگر برنامه سازنده را نشان داد: غالباً موفقیت‌های پرشمار چنین برنامه‌هاست که سرکوبگری را در خود هضم می‌کند. مخالف ممکن است قدرت انقلابی این قبیل ابتکارات جماعتی را بفهمد و هرکار ممکن را برای از میان بردن آن انجام دهد. او ممکن است بهانه‌ی اندک برای حمله بر این برنامه‌ها و شرکای آن‌ها داشته باشد، لیکن ممکن است به اقدامات ضروری بیشتر آگاهی یابد. بنابراین، نباید وقتی که برنامه‌های سازنده ما با چنین حملاتی روبه‌رو می‌شود، متعجب و یا حتا دلگیر شویم. این طبیعت ساتیآگرها است، خواه از نوع سازنده و یا مسدودکننده/کارشکنانه آن، که واکنشی را استنباط و ابتکار کند که خشونت نهفته در یک سیستم غیرعادلانه را آشکار و در معرض دید قرار دهد. این‌گونه حملات تأسف‌برانگیزند و این نکته را برای ناظران و حتا برای خود ستمگران واضح می‌کنند کاری را که ستمگران دارند انجام می‌دهند، درست نیست.

به‌صورت ایده‌آل، یک کاروزار مبتنی بر عدم خشونت، با توانمندسازی فردی آغاز می‌شود. در قدم بعدی در پی گزینه‌های سازنده در جامعه برمی‌آید و سرانجام با نیروهای کارشکنانه و مسدودکننده در صورت ضرورت از موضع قوی، مقابله خواهد کرد. این اصول عینا در موقعیت‌های بی‌شمار توسط افراد می‌توانند به کار برده شوند. به‌طور جالب توجه، جنبش‌های اشغال، در ایالات متحده که به‌صورت یک سلسله اعتراضات در سپتامبر ۲۰۱۱ آغاز شد، بعد از این‌که آن اعتراضات توسط پولیس شکسته شد، به سوی اتخاذ اقدامات بسیار سازنده و

نبرد دارم. آنقدر سنگین که شنیده‌ام طالبان مجازات‌های سختی را علیه نیروهای مقاومت وضع کرده است.

در گزارش گفته شده، به‌رغم وجود همکاری میان نیروهای مقاومت و سربازان مستقر ارتش و پولیس، بسیج مردمی اغلب فاقد رهبری و سازماندهی منظم است. آن‌ها دارای سلاح‌های سبک هستند و اگر پشتیبانی نشوند، در توفان حمله‌های سخت و پیگیر طالبان هضم خواهند شد.

همان‌گونه که باید، رییس‌جمهور آمریکا، تأکید کرده است دولت افغانستان مسئولیت اصلی جنگ را بر عهده دارد پس باید جبهه‌ی مقاومت را تجهیز و رهبری کند، مشی نظامی درست و روشنی را برگزیند و آن را با مردم نیز در میان بگذارد. البته، اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان به من گفت که او چنان سیاست راهبردی را معین کرده است. اما اکنون وقت آن است که وی گوشه‌ای از آن سیاست راهبردی خود را به کار ببندد.

همچنین به‌جاست ایالات متحده صدمه‌ی روحی وارده بر مردم و دولت افغانستان پس از خروج نیروهای خود را درک کند و در بازیابی روحیه‌ی آنان به سهم خویش بکوشد. از نظر تاریخی جنگ در افغانستان وقتی پایان یافت که مردم به پیروزی یک جانب و ختم جنگ مصمم شدند. همان چیزی که در سال ۲۰۰۱ با تضعیف شدن روحیه‌ی طالبان در طی چند نبرد اتفاق افتاد. اگر ارتش نتواند روحیه‌ی خود را حفظ کند و شهرها یکی پس از دیگری سقوط کند، افغانستان به‌سرعت پارچه‌پارچه خواهد شد. و داغ ننگ بدترین خروج بر پیشانی ایالات متحده در کابل خواهد خورد.

خروج ما بدون هیچ توضیح و پیش از موعد مقرر توسط آقای بایدن، یعنی یازدهی سپتامبر، شوکه‌کننده بود. به دنبال آن توجه به امر لازم اما پرسرصدای صدور روادید برای مترجمان و دیگر افرادی که با ایالات متحده کار کرده بودند، افغانستانی‌ها را در این اندیشه فرو برد که گویا ما هم از توانایی مقابله‌ی آنان با طالبان ناامید شده‌ایم و طرح بارها تکرار شده که تعیین سرنوشت به دست خود افغانستانی‌ها باید صورت پذیرد، آنان را به این نتیجه رساند که ما از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی می‌کنیم. ما ادعا داریم که به حمایت نیروهای ارتش افغانستان ادامه می‌دهیم اما افغانستانی‌ها نسبت به این گفته‌ی ما بدبین‌اند.

همچنین اقداماتی نظیر تحویل هواپیماها به ارتش، با صحبت‌های متناقضی که صورت می‌گیرد قول ما را بی‌اعتبار کرده است. اکنون طالبان حمله‌ی خود را روی شهرهای بزرگ متوقف کرده است. ناظران معتقدند این حمله‌ها به‌زودی آغاز خواهد شد. عجلتاً ما به یافتن اقدام‌های نمادینی نیازمندیم تا جلو اشتباهات واقع‌شده را بگیرد و روشن کند که ما بر سر پیمان خویش با افغانستانی‌ها ایستاده‌ایم.

یکی از اقدام‌های ممکن تأمین مجدد غذا و مهمات از طریق هوایی به شهرهایی است که خطوط تأمین مایحتاج ضروری آنان قطع شده است. ما قادر به شناسایی نیازهای بسیج مردمی و تأمین سریع آن هستیم. برخی حمله‌های هوایی را از پایگاه‌های خارج از افغانستان نیز می‌توانیم انجام بدهیم. ممکن است طرح‌های کاربردی‌تر دیگری هم باشد.

نکته‌ی مهم این است که اقدام باید وسیع، چشمگیر و عینی باشد. افغانستانی‌ها یا باید شکست را بپذیرند یا جلو سقوط را بگیرند. آمریکا نیز جهت برطرف کردن تردیدهای پیش‌آمده که ممکن است به سقوط کشور بینجامد، باید تمام همت خود را، به‌تمامی، به کار ببندد. پیش از آن‌که به بن‌بست برسیم باید کاری کرد.



ایران اسناد دست داشتن در حمله به کشتی مرسر استریت را «جعلی» خواند

این کشور در حال هماهنگی با شرکای خود و مشاوره با دولت‌های منطقه است و ایران با پاسخ مشترک امریکا اسرائیل، بریتانیا، رومانی و سایر کشورها در این زمینه روبرو خواهد شد.

بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا هم که یک تبعه این کشور در این حمله کشته شد گفته است «ایران باید با پیامدهای اقداماتش روبرو شود.»

دولت ایران در کنار رد ادعاهای دست داشتن در حمله به کشتی مرسر استریت، متقابلاً اسرائیل را به دست داشتن در چنین حملاتی متهم کرده است.

در ماه‌های اخیر ایران و اسرائیل چندین بار یکدیگر را به حمله به کشتی‌های تجاری متهم کرده‌اند.

اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهوری سابق ایران پیش از پایان یافتن دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی گفته بود «اسرائیل آدم می‌فرستاد داخل نفتکش ما و آن را منفجر می‌کرد.»

خواننده، «برخورد کند.» باربارا وودوارد سفیر بریتانیا در سازمان ملل متحد گفته است «ما می‌دانیم که این حمله هدمند و حساب‌شده» بوده و کشورش، ایران را عامل این حمله می‌داند.

زهرار ارشادی معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد این اتهام‌ها را رد کرد اما توضیحی درباره بقایای پهباد شاهد ارائه نکرد.

حمله به این کشتی تحت مدیریت شرکت اسرائیلی با واکنش بسیاری مواجه شده و اخیراً وزیران امور خارجه هفت کشور صنعتی جهان با محکوم کردن این حمله، جمهوری اسلامی را «تهدیدی برای صلح و ثبات بین‌المللی» خواندند.

وزیران امور خارجه گروه هفت در بیانیه خود گفتند «رفتار ایران در کنار حمایت از نیروهای نیابتی، صلح و امنیت جهان را تهدید می‌کند.»

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا پیشتر گفته بود

آقای تخت روانچی در توییت خود ادعاهای مطرح شده را «به شدت» رد کرده و گفته است شورای امنیت سازمان ملل متحد باید با آنچه «ماجرای جعلی» اسرائیل در منطقه



اطلاعات روز: مجید تخت روانچی، سفیر ایران در سازمان ملل متحد ادعاهای مطرح شده در مورد نقش داشتن این کشور در حمله به کشتی مرسر استریت را رد کرده و اسناد ارائه شده در این مورد را جعلی خوانده است.

به گزارش بی بی سی فارسی، آقای تخت روانچی در توییتی گفته است اسرائیل و حامیان آن کشور، «اطلاعات جعلی» در مورد حوادث اخیر ارائه کرده‌اند.

در جریان حمله به نفتکش مرسر استریت دو نفر کشته شدند که یکی از آنها تبعه بریتانیا و دیگری شهروند رومانی بود.

نفتکش «مرسر استریت» در نزدیکی سواحل عمان در آب‌های آزاد هدف قرار گرفت.

دولت بریتانیا گفته است این حمله توسط پهباد شاهد ۱۳۶ انجام شده که تنها در ایران ساخته می‌شود. فرماندهی مرکزی ایالات متحده امریکا هم با انتشار نتیجه تحقیقاتش، انگشت اتهام را به سوی ایران گرفته است.

آتش سوزی‌های گسترده در یونان؛ هزاران نفر مجبور به تخلیه خانه‌های خود شدند

اطلاعات روز: آتش سوزی‌ها در یونان تاکنون به کشته شدن دو نفر منجر شده و شش منطقه هم به دلیل غیرقابل کنترل بودن آتش به حال آماده باش کامل درآمده‌اند.

گزارش‌ها همچنین از مجروح شدن شماری خبر می‌دهد. به نقل از بی بی سی فارسی، ابرهای بزرگی از دود حومه شمالی آتن، پایتخت را پوشانده و از مردم خواسته شده تا خانه‌های خود را ترک کنند.

یک آتش نشان داوطلب در پی سقوط تیر برق در حومه پایتخت جان خود را از دست داد.

در حال حاضر آتش نشانان با ۱۵۴ آتش سوزی در سراسر کشور مواجه هستند.

بدترین این آتش سوزی‌ها که وزش باد آن‌ها را تشدید کرده در نواحی شمالی آتن به وقوع پیوسته است. دامنه آتش همچنین به سمت نزدیکی جزیره اثوبویا و نواحی نزدیک به المپیا باستانی، زادگاه اولیه بازی‌های المپیک کشیده شده است.

از هزاران سکنه حومه آتن خواسته شده تا خانه‌های خود را ترک کنند.

یونان مانند بسیاری دیگر از نقاط اروپا در تابستان امسال با گرمای شدید روبرو است.

موج شدید گرما در یک هفته گذشته باعث بروز آتش سوزی‌هایی در بسیاری از مناطق این کشور شده است. نخست‌وزیر یونان گفته که این آتش سوزی‌ها «واقعیت پدیده تغییرات آب و هوایی» را نشان می‌دهد.

دمای هوا در چند روز گذشته در این کشور بیش از ۴۰ درجه سانتیگراد بوده است.

ترکیه، کشور همسایه یونان هم درگیر شدیدترین آتش سوزی‌های جنگلی است.

تاکنون هشت نفر در آتش سوزی‌های ترکیه کشته و دهها هزار نفر هم در مناطق ساحلی جنوبی این کشور مجبور به تخلیه خانه‌های خود شدند.

امریکا از دولت لبنان خواست از حملات حزب‌الله به اسرائیل جلوگیری کند

یک مقام امریکایی که خواست نامش فاش نشود به بخش انگلیسی العربیه گفته است، نگرانی‌های واقعی در خصوص احتمال وخامت اوضاع در لبنان وجود دارد.

این مقام امریکایی اضافه کرده است این موضوع یک مشکل بزرگ خواهد بود، نه فقط برای آنها [لبنان]، بلکه برای ما اگر همه چیز از کنترل خارج شود.

این نخستین بار در ۱۵ سال اخیر، و پس از جنگ ۳۴ روزه ارتش اسرائیل با گروه حزب‌الله بود که جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل علیه مناطقی در لبنان اقدام کردند.

میشل عون، رییس جمهور، و حسن دیاب، کفیل نخست‌وزیری لبنان، حملات هوایی اسرائیلی در بامداد روز چهاردهم مرداد را «تجاوز وخیم» نامیدند.

سفیر لبنان در سازمان ملل نیز پنجشنبه شب شکایت رسمی کشورش علیه اسرائیل را به دبیرخانه سازمان ارائه کرد.

تشکیلات امنیتی اسرائیلی ارزیابی کرده‌اند که در هر دو مورد حملات راکتی روزهای چهارشنبه و جمعه، نه حزب‌الله، بلکه برخی سازمان‌های مسلح فلسطینی، اقدام به حملات راکتی کرده‌اند. اما به نوشته جروزالم پست، این حملات با موافقت ضمنی حزب‌الله صورت گرفته است.



دیپلمات سوئدی به‌عنوان نماینده جدید سازمان ملل در امور یمن تعیین شد

اطلاعات روز: دبیرکل سازمان ملل متحد روز جمعه هانس گراندربرگ، دیپلمات سوئدی را به‌عنوان نماینده جدید این سازمان در امور یمن منصوب کرد.

به نقل از رادیو فردا، هانس گراندربرگ جایگزین مارتین گریفیتس خواهد شد که طی سه سال اخیر تلاش کرد راه حلی برای پایان دادن به جنگ در یمن دست یابد.

انتصاب هانس گراندربرگ به‌عنوان نماینده جدید امور یمن نیازمند تایید از سوی همه ۱۵ عضو شورای امنیت بود.

هانس گراندربرگ از سال ۲۰۱۹ تاکنون نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور یمن بوده است.

در همین حال، وزیر امور خارجه امریکا از انتصاب هانس گراندربرگ استقبال کرده است.

جنگ یمن که از آن به‌عنوان جنگ نیابتی ایران و عربستان سعودی یاد می‌شود، در طول شش سال گذشته به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌ها در منطقه و در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است.

جنگ یمن تاکنون بیش از ۱۳۰ هزار کشته برجای گذاشته است، از جمله ۱۳ هزار غیرنظامی که به‌دلیل حملات هوایی جان خود را از دست داده‌اند. دهها هزار کودک نیز به دلیل قحطی جان باخته‌اند.

در حال حاضر، میلیون‌ها نفر از مردم این کشور با اتکا به کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی زندگی می‌کنند. سازمان ملل بارها هشدار داده است که شرایط یمن به دلیل گسترش قحطی و گرسنگی روزافزون در این کشور یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های بشری در سال‌های اخیر را رقم زده است.

جنگ یمن از سه سال پیش عملاً به بن‌بست رسیده است. علاوه بر سازمان ملل، دولت جدید امریکا نیز با تشدید اقدامات دیپلماتیک تلاش می‌کند طرف‌های درگیر را به پذیرش آتش‌بس قانع کند.

دکترهنی، اوبو لگولو او مالدار وزارت زراعت، آبیاری و مالدار

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت دولت جمهوری اسلامی افغانستان

پروژه زراعت و مالدار به اشتراک مردم

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدينوسيله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد، که اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، اعمار شبکه آبیاری قرچه قرچه ولسوالی بگرام ولایت پروان) را با (شرکت محترم ساختمانی، سرک‌سازی و لوژستیک اکتیفایز) دارای جواز نمبر (۵۸۳۲۹) آدرس- بازار دهن میدان هوایی بگرام، پروان به قیمت مجموعی (۴,۸۴۲,۱۰۲.۰۶) چهارمیلیون و هشتصد و چهل و دوهزار و یکصد و دو اعشاریه صفر شش افغانی اعطاء نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمريت تدارکات پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذکر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی، فریضه عالمی و سکینه امیری

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: محمدرضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

شماره تماس: ۰۷۹۷۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کنون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

بگذارم و جواز و امتیازش را نه. وضع به همین منوال ادامه یابد احتمال دارد جواز و امتیاز شرکت را بفروشم.»

نوید می‌گوید تصمیمش این نبود که شرکت بسازد و شغل ایجاد کند و بعد آن را در نیمه‌راه راه‌ها کند. اما حالا جانش مهم‌تر از کسب‌وکارش است. از ۳ هزار دالری که نوید برای فروش وسایل شرکت قیمت تعیین کرده تاکنون هر کسی مراجعه کرده قیمت به مراتب کم‌تر از چیزی ارائه داده که او انتظارش را هم داشت.

مثل خیلی‌های دیگر نوید هم عزم مهاجرت دارد تا آب از آسیاب بیفتد و اوضاع بهبود یابد و دوباره سر کارش برگردد.

آرش سه سال پیش وقتی فروشگاه آنلاین کهنه‌فروشی‌اش را باز کرد اوضاع بازار کهنه‌فروشی خیلی خوب بود و روزانه تا چهار نفر به او برای فروختن وسایل خانه‌اش مراجعه می‌کرد اما این روزها که اوضاع امنیتی به شدت نابه‌سامان است تعداد مراجعه‌کننده‌هایش به ۱۵ تا ۲۰ نفر می‌رسد که فقط برای فروختن وسایل خانه‌شان به او مراجعه می‌کنند و او با سرمایه‌ای که دارد نمی‌تواند آن را اجناس بخرد و در بازار «آب» کند چون همه فروشنده‌اند تا خریدار: «هر روز که می‌گذرد تعداد مراجعه‌کنندگان بیشتر و بیشتر می‌شود. اوضاع خراب است و مردم زیاده‌تر خارج می‌روند. فروش کم و خرید زیاد است.»

«انسان گرگ انسان است.» جمله‌ی که به خوبی می‌تواند وضعیت نابه‌سامان افغانستان را توضیح دهد و فرزام محبی‌زاده وقتی اوضاع بحرانی و خشونت‌فرازنده‌ی کشورش را می‌بیند بیشتر به آن اعتقاد پیدا کند. مثل دیگران فرزام هم عزم کوچیدن دارد؛ کوچیدن به ساحل آرامش و دور شدن از جنگی خامانوسوز که چهار دهه سرزمین او را در مشتت گرفته. چند روزی است که فرزام برای فروش موترش تقلا می‌کند، اما هنوز کسی پیدا نشده که بار گران را از دوشش بردارد و موترش را بخرد و از طرف دیگر دست او در روز مبدا که آمدنی است خالی نباشد.

«خلاف در شهر کابل زیاد است به همین خاطر کسی دل پر نمی‌تواند که بخرد. با وجودی که ۳۰ درصد زیر قیمت به فروش گذاشتم اما تعدادی اقتصاد باری‌شان نمی‌کند و پولش برای خرید موتر کم می‌شود. موترم که می‌خواهم بفروشم موتر شخصی و سواری‌ام است و آمادگی برای رفتن است چون در اوضاع اعتبار نیست. در آینده خبرهای خوش نیست و آینده‌ی تضمین‌شده‌ای برای ما نیست.»

وسایل‌شان را به قیمت ناچیزی بفروشد: «کارها از ۱۰۰ درصد، ۱۰ تا ۱۵ درصد هم نیست. کار ما تبدیل کردن وسایل کهنه و مستعمل به نو بود. حالا وضع به حدی خراب شده که ما خریدن وسایل خانه را بند کردیم. زمانی مردم علاقه‌ای به فروختن وسایل خانه‌ی خود نداشتند اما حالا صف کشیده‌اند تا وسایلی را که به ۲۵ هزار افغانی خریده بودند به ۱۰ هزار افغانی بفروشند.»

شرکت خلیل‌احمد که زمانی چندین نمایندگی داشت و درآمد روزانه‌اش هنگفت، این روزها با خطر ورشکستگی و سقوط روبه‌رو است. قیمت اجناس مستعملی که در انبارهایش روی هم تلنبار شده به صورت چشم‌گیری کاهش یافته است و با همان قیمتی کمی که دارد کم‌تر کسی حاضر می‌شود آن را بخرد. به‌طور مثال زمانی که آرامش نسبی در کابل و ولایات حکم‌فرما بود روزانه ۱۰ تا ۱۵ مشتری به دکان خلیل‌احمد مراجعه می‌کرد تا وسایل رنگ‌ورورفته‌ی خانه‌شان را تبدیل کرده و وسایل لوکس‌تر بخرد. این روزها که اغلب اوقات از طلوع آفتاب تا نیمه‌های شب و گاهی تا طلوع دیگر خیلی کم با خبرهای غیر جنگ برمی‌خوریم خلیل‌احمد تعداد مراجعه‌کننده‌های دکانش فروختن وسایل خانه‌شان به شرکت او می‌آیند.

صلح آخرین «امید» نوید مبارز است؛ صلحی که با گذشت هر روز رنگ می‌بازد. نوید حالا ناامیدتر از همیشه است و نگران ۱۰ کارمندش که به امید رسیدن روزهای خوش زحمت کشیدند و حالا دیگر بیکار شده‌اند.

بعد از آن که نوید از دانشگاه انجینیری فارغ شد با راه‌اندازی شرکتی برای ۱۰ نفر شغل ایجاد کرد تا هم او به هدفش که آبادی کشورش بود برسد و هم ۱۰ خانواده لقمه‌نانی برای خوردن داشته باشد. پنج سال از آن روزها می‌گذرد. روزهای تلخ و شیرینی که نوید و همکارانش هر طوری بود تا امروز دوام آوردند و سر کردند. اما وخامت اوضاع امنیتی و گسترش دامنه‌ی جنگ، از رونق افتادن بازار کار، نوید بندوبسط شرکتش را برچید و ۱۰ نفر کارمندش رفتند پی کارشان که همانا بیکاری است. صدای نوید گرفته بود و نگران از آینده‌ی مبهم و نامعلومی که پیش رویش قرار دارد که نه پای رفتن دارد و نه امیدی برای ماندن. سرمایه‌اش هم روی دستش مانده: «برای راه‌اندازی شرکتم تلاش کرده و اندوخته‌هایم را هزینه کردم. امیدم صلح بود و این که در برقراری آن بازار کار رونق بگیرد. اما وضعیت برعکس شد. در پنج سال پروژه‌های زیادی را انجام دادیم. جنگ دلیلی شد تا وسایل شرکت را به فروش

بازار گرم لیلام وسایل خانه در کابل؛

فرار و آوارگی کلید خورده است



جنگ و حملات روزافزون طالبان این روزها بازارهای کهنه‌فروشی کابل را پررونق‌تر از هر زمانی کرده است اما دادوستد در این بازار که قبلاً دوطرفه بود حالا یک‌طرفه است؛ دکان‌های کهنه‌فروشی کابل که قبلاً هم جنس مستعمل می‌خریدند و هم می‌فروختند این روزها تنها خریدارند. به هر مغازه‌ی کهنه‌فروشی در کابل که سر بزیند یا آدم‌های مختلفی برمی‌خورید که استیصال و ناراحتی در چهره‌شان مشهود است و بریده و ناامید از بهبود اوضاع به هر راهی متوسل می‌شوند که داروندار خانه‌شان را بفروشند تا در صورت یافتن روزنه‌ی خروج از کشور، وسایل خانه روی دست‌شان نماند و از طرفی بتوانند اندکی هزینه‌ی سفر خود را مهیا کنند.



وسایل خانه و داروندارشان را در بدل قیمت ناچیزی به حراج می‌گذارند تا با وخیم‌شدن اوضاع به غارت نروند. حالا او مانده و دنیایی از اجناس و خرت‌وپرت‌های مستعملی که روی هم تلنبار شده است؛ وسایلی که زمانی مردم برای خریدنش سر و دست می‌شکستند و حالا کسی حتا قیمت‌شان را هم نمی‌پرسند. یک مغازه‌دار دیگر از مراجعه‌کننده‌های بسیارش گفت که وسایل خانه‌شان را تا ۷۵ درصد زیر قیمت هم فروخته‌اند.

امیدها که دود شد

در سه ماه اخیر که تنور جنگ در ولایات داغ است و کابل در آرامش نسبی قرار دارد شهروندان اما نگران‌تر از باشندگی‌های سایر ولایات است. جمله‌ی معروف «از بیم بلا در میان بلا باشیم» خوب‌تر اوضاع شهروندان کابل را بازگو می‌کند. با چند نفری که صحبت کردم نگران بودند و در فکر مهاجرت.

هادی خوش‌نویس

به قول معروف «با مهاجرت شدن هیچ‌جایی به آدم حلا نمی‌دهد اما حداقل آدم را نمی‌کشد.» این جمله دلیل اکثر مردم افغانستان است که تلاش می‌کنند از تنور جنگ افغانستان که هر روز گسترده‌تر و داغ‌تر می‌شود رهایی یافته و خود را به ساحل امنی برسانند که دیگر صدای تق‌توق تفنگ را نشنوند.

جنگ و حملات روزافزون طالبان این روزها بازارهای کهنه‌فروشی کابل را پررونق‌تر از هر زمانی کرده است اما دادوستد در این بازار که قبلاً دوطرفه بود حالا یک‌طرفه است؛ دکان‌های کهنه‌فروشی کابل که قبلاً هم جنس مستعمل می‌خریدند و هم می‌فروختند این روزها تنها خریدارند. به هر مغازه‌ی کهنه‌فروشی در کابل که سر بزیند یا آدم‌های مختلفی برمی‌خورید که استیصال و ناراحتی در چهره‌شان مشهود است و بریده و ناامید از بهبود اوضاع به هر راهی متوسل می‌شوند که داروندار خانه‌شان را بفروشند تا در صورت یافتن روزنه‌ی خروج از کشور، وسایل خانه روی دست‌شان نماند و از طرفی بتوانند اندکی هزینه‌ی سفر خود را مهیا کنند.

در یک هفته‌ی اخیر به کهنه‌فروشی‌های مختلف کابل سر زدم. مغازه‌داری به من گفت که اکثر مراجعه‌کننده‌هایش

 <p>دکترهنی، اوبو لگولو او مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	<p>دافغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p> <p>پروژه زراعت و مالداري به اشتراك مردم</p>	
<h3>«اطلاعيه تصميم اعطاي قرار داد»</h3>		
<p>بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که پروژه زراعت و مالداري به اشتراك مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد، که اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، اعمار شبکه آبیاری قناعت چاه‌سرخ قریه دهنه غار ولسوالی کروخ ولایت هرات) را با (شرکت محترم ساختمانی فراساز) دارای جواز نمبر (۲۸۳۱۰) آدرس - سرک فرقه، مرکز ولایت هرات افغانستان به قیمت مجموعی (۵,۴۵۰,۰۰۰.۰۰) پنج‌میلیون و چهارصد و پنجاه‌هزار افغانی اعطاء نماید.</p> <p>اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمریت تدارکات پروژه زراعت و مالداري به اشتراك مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع جمال‌مینة ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.</p> <p>این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.</p>		

 <p>دکترهنی، اوبو لگولو او مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	<p>دافغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p> <p>معینیت اداری و مالی ریاست تهیه و تدارکات هیئت ارزیابی</p>	
<h3>«اطلاعيه تصميم اعطاي قرار داد»</h3>		
<p>بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد تا پروژه (تدارک ۲۲ قلم وسایل سروی، نقشه و وسایل دفتر مورد ضرورت ریاست خاک‌شناسی) با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G-1500/1400 را به شرکت محترم خدمات لوژستیکی کابل تودی دارای جواز نمبر (۳۷۳۸۴) به قیمت مجموعی مبلغ (۹۳۲,۰۷۰) نه‌صد و سی و دوهزار و هفتاد افغانی اعطاء نماید.</p> <p>اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع کارته‌سخی، جمال‌مینة، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.</p> <p>این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.</p>		

این زنان در همبستگی با مردم و زنان افغانستان نوشته‌اند: «با حساسیت و نگرانی، سرنوشت شومی را که برای مردم این سرزمین و به‌ویژه زنان و دخترانش رقم زده شده است، دنبال کرده و از هیچ تلاشی برای رسانیدن صدای‌شان به سیاست‌گذاران منطقه‌ای و بین‌المللی که فروافتادن ارزش‌های انسانی ملتی را نظاره می‌کنند، دریغ نخواهیم کرد. ما زنان ایرانی نگران از حاکمیت دوباره طالبان بر مردم افغانستان و اجرای قرائت‌های غیردینی و ضدانسانی به‌نام اسلام به‌خصوص بر زنان و دختران هستیم و از علمای اندیشمند مسلمان با هر تفاوتی در مذهب، انتظار داریم تا نسبت به این غده سرطانی در جهان اسلام، اعلام موضع کنند. ما زنان ایرانی از جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد انتظار داریم تا با بهره‌گیری از ابزارهای لازم و مؤثر از نظام جمهوری‌ت در افغانستان حمایت عملی نموده و با تنها نگذاشتن مردم افغانستان، از تسلط دوباره طالبان که کارنامه ننگین حاکمیتش بر مردم این کشور هنوز از خاطره‌ها نرفته است، جلوگیری نمایند.»

همچنین وزارت امور خارجه کشور با انتشار اعلامیه‌ای در ۱۵ سرطان سال جاری اعلام کرد که ده‌ها تن از زنان سرشناس هندی، قتل‌عام و کشتار زنان و کودکان را در افغانستان محکوم کرده و خواهان آتش‌بس و ختم جنگ میان طرف‌های درگیر در منازعه شده‌اند. زنان هندی در کنفرانسی تحت عنوان «همبستگی زنان هند در محکومیت قتل‌عام کودکان بی‌گناه افغان و فراخوان آتش‌بس فوری» کشته‌شدن زنان، دختران و کودکان را در افغانستان تقبیح کردند و خواهان رعایت کردن قوانین جنگ و پایان درگیری فوری شده‌اند.

با توجه به بافت جامعه‌ی سنتی افغانستان و وجود ساختارهایی که همیشه علیه زنان عمل کرده، تلاش‌های زنان افغان در طول دو دهه گذشته در راستای برابری و آزادی‌های اجتماعی - فردی‌شان در خور ستایش است. تلاش‌هایی که هزینه‌های زیادی برای زنان افغان داشته. حاکمیت دوباره‌ی گروه عقل‌ستیز و عقب‌گرای طالبان تمامی این دستاوردها را با نابودی مواجه خواهد ساخت.

زنان افغان برای ادامه مبارزه به افق‌های تازه‌ای نیاز دارند. افق‌هایی فراتر از پتانسیل‌های جامعه‌ی افغانستان. افق‌هایی که بتواند مسیرهای تازه‌ای از مبارزه را برای‌شان بگشاید. همبستگی، گره‌زدن مسأله‌ی زنان افغان با سایر زنان و تلاش‌ها و همدلی‌های بین‌المللی زنان، می‌تواند این افق تازه را برای زنان افغان ایجاد کند. اگر زنان افغان بتوانند چنین سیاستی را اتخاذ کنند، می‌توانند امیدوار باشند که از ظرفیت‌ها، امکانات و مکانیزم‌های حقوقی و بین‌المللی سایر زنان در راستای اهداف خود برای مبارزه و بقا در افغانستان استفاده کنند. در غیر این صورت مسأله‌ی آن‌ها تنها برای خودشان باقی خواهد ماند. بنابراین باید به‌گونه‌ای عمل کنند که مسأله آن‌ها، مسأله زنان ایران، هند، پاکستان و سایر زنان در هرکجای این جهان باشد.

در نتیجه‌ی چنین رویکردی، زنان افغان جدای از همبستگی و پشتیبانی، می‌توانند مسیرها و بسترهای تازه‌ای را برای مبارزه بیابند. مبارزه‌ای که با روی کارآمدن طالبان، طبعاً برای آنان سخت‌تر و طاقت‌فرس‌تر نیز خواهد شد.

حاکمیت دوباره‌ی طالبان؛ ضرورت پیوند مسأله زنان افغان با سایر زنان جهان



افغانستان همواره در صدر لیست کشورهایی قرار داشته که شرایط زندگی برای زنان در آن اسفبار بوده است. در این ساختار و سلطه مردانه، زندگی تحت حاکمیت طالبان اگر اضافه شود، آنچه برای زنان قابل تصور است، یک زندگی فاجعه‌آمیز و وحشتناک است. درحالی‌که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه‌یافتگی جوامع، میزان حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی جامعه است. واضح است که در صورت حاکمیت دوباره طالبان در کشور، زنان با آینده‌ای مبهم روبه‌رو خواهند بود.

از شروع ماه جون، تلفات زنان در مقایسه با شش ماه اول سال گذشته با رقم ۸۲ فیصد افزایش روبه‌رو بوده است. گزارش یوناما نشان می‌دهد که در مجموع ۷۲۷ زن در شش ماه اول سال ۲۰۲۱ کشته و زخمی شده‌اند. گروهی که هیچ نقشی در معادلات جنگ و صلح ندارند اما بیشترین قربانی و آسیب را از جنگ و خشونت می‌بینند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای زنان در دو دهه گذشته، دسترسی آنان به آموزش بیشتر بوده است. امری که در دوره حاکمیت طالبان در سال‌های ۱۹۹۰ برای زنان میسر نبود. گروه طالبان در بسیاری از مناطق دختران را از رفتن به مکتب منع کرده‌اند. آن‌ها به‌شدت در مناطق تحت تسلط‌شان در این زمینه سلیقه‌ای برخورد کرده‌اند. به‌عنوان مثال در برخی ولایات اعلام کرده‌اند که دختران می‌توانند تا صنف دوازده یا شش درس بخوانند. در عین حال رفتار آن‌ها در قبال این موضوع در برخی از ولایات‌های پشتون‌نشین نشان می‌دهد که

زنان افغان و همبستگی بین‌المللی و منطقه‌ای برای ادامه‌ی مبارزه به‌تازگی جمعی از زنان ایرانی فعال در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی در حمایت از زنان افغانستان در مقابله با تسلط دوباره طالبان، بیانیه‌ای را منتشر کرده‌اند.

وضعیت زنان، صد و هشتاد درجه به ضرر زنان تغییر خواهد کرد.

در ذهنیت طالبانی، شیء‌انگاری زن و ابزار دیدن او امری جوهری است نه عارضی. این ذهنیت نمی‌تواند زنی را تصور کند که دانش بیاموزد، مهارت حاصل کند، نقش اجتماعی داشته باشد، فعالیت اقتصادی کند، به سیاست وارد شود، و در سرنوشت همگانی سهم بگیرد. قابل‌شدن چنین نقشی برای زن هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که برای او شخصیت حقیقی و حقوقی مستقلی به رسمیت شناخته شود، و این برای طالبان قابل قبول نیست. نگاه تبعیض‌آمیز نسبت به زن در تمام گروه‌های بنیادگرا، نه‌تنها بنیادگرایان مسلمان بلکه حتا در میان بنیادگرایان یهودی و مسیحی نیز، به درجاتی وجود دارد. اما این بدبینی ژرف و دشمنی آشتی‌ناپذیر که طالبان نسبت به زن دارند حتا در القاعده و داعش هم وجود ندارد. در مدتی که داعش بر مناطقی از عراق و شام سیطره داشت و دولت خلافت خود را برپا کرده بود، امیرالمومنین آنان بخشی را برای امور زنان اختصاص داده بود و لشکری از آنان بنام «لواء شرطه خنساء النسائی» ایجاد کرده بود که در نقش پولیس عمل می‌کرد. زنان داعشی در زمینه‌های آموزش، پرستاری، نظارت اجتماعی و حتا فعالیت سایبری سهم می‌گرفتند.

تجربه حاکمیت سیاه طالبان در دهه نود و انزوا و خانه‌نشینی زنان در آن دوره و همه مواردی که به آن اشاره شد، موجب شده که وضعیت زنان در نظام اسلامی مورد نظر طالبان در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد. زنی که تجربه‌ی شهرنشینی را از سر گذرانده‌اند به مراتب احساس خفقان بیشتری را در زندگی زیر سایه حاکمیت امارت تجربه خواهند کرد. همان‌طور که اشاره شد، سیمای زن مطلوب از نظر طالبان، زنی است که فرزند بیاورد، خانه‌دار باشد و نیازهای جنسی شوهرش را پاسخ دهد. در تفکر طالبانی، نقش زنان در همین سطح است.

خواست‌های زنان افغان در بسیاری از کشورهای مسلمان، دیگر تابو محسوب نمی‌شود. بلکه حقوق اولیه آنان است. حق آموزش و تحصیل، حق رانندگی، حق کار، حق آگاهی، حق مشارکت در سطوح مختلف جامعه، حق تصمیم‌گیری، رأی‌دادن، آزادی‌های فردی و اجتماعی، مواردی هستند که اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی، دولت‌ها و نیروهای سیاسی خود را متعهد به ارائه آن می‌دانند. حتا در کشور پادشاهی عربستان، اینک بسیاری از قوانین و قواعد به نفع زنان در حال تغییر است.

زنان افغان با چه وضعیتی مواجهند؟ نمایندگی دفتر ملل متحد «یوناما» در گزارش تازه خود درباره‌ی تلفات افراد ملکی در افغانستان اعلام کرد که در شش ماه نخست سال ۲۰۲۱ میلادی، رقم تلفات غیرنظامیان رکورد شکسته است. گزارش یوناما نشان می‌دهد که طی شش ماه اول سال جاری میلادی، بیش از پنج‌هزار فرد ملکی در افغانستان کشته و یا زخمی شده‌اند. این در حالی است که براساس گزارش مذکور نسبت به زمان مشابه در سال قبل، این رقم ۴۷ درصد افزایش یافته است.

نکته نگران‌کننده در این گزارش اما رقم تلفات زنان و کودکان بود. گزارش یوناما نشان می‌دهد که رقم قابل‌توجهی از قربانیان خشونت‌های اخیر طالبان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهد. گروهی که هیچ نقشی در معادلات قدرت و جنگ نداشته‌اند.

حسین‌علی کریمی

یکی از نگرانی‌های عمده در گفت‌وگوهای صلح نقش، جایگاه و عاملیت زنان افغان در این پروسه بوده است. این موضوع در مذاکرات صلح میان طالبان و دولت افغانستان در قطر نیز دغدغه‌ی بسیاری از کنشگران حقوق بشر و فعالان زنان بود. زنان افغان نگران بازگشت به دوره سیاه طالبان، از دست‌دادن آزادی‌های فردی و اجتماعی‌شان و در نهایت نگران از دست‌دادن دو دهه تلاش‌های‌شان برای کسب حقوق اساسی‌شان هستند. این نگرانی‌ها باعث شد که بسیاری از کنشگران حقوق زنان در افغانستان، کمپین‌های مختلفی با هدف مشارکت‌دادن زنان در گفت‌وگوهای صلح و جلوگیری از پایمال‌شدن حقوق اساسی‌شان در فرایند گفت‌وگوها به راه بیندازند. گفت‌وگوهایی که تا این لحظه، نتیجه‌ی ملموسی برای مردم افغان‌ها و زنان نداشته است.

بر کسی پوشیده نیست که ساختارهای جامعه‌ی افغانستان به‌شدت مردانه است. نهادها، فضاها عمومی، فضاهای اجتماعی و بسیاری از ساختارهای عمومی تحت سیطره مردانه قرار دارند. تصویر زن خوب در افغانستان، زنی است پاکدامن و خانه‌دار که خواست جامعه او به دنیا آوردن فرزند، مراقب از فرزندان و پاسخ به نیازهای جنسی شوهرش است. رشد شهرنشینی، مهاجرت و بازگشت گسترده به کشور، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در طول دو دهه باعث شد که زنان افغان علیه این تصویرها قیام کنند و در این راستا به بازتعریف ساختارهای سنتی و کلیشه‌ای جامعه بپردازد. زنان افغان در طول دو دهه گذشته تلاش کردند در بسیاری از فضاهای موجود نشان و اثر خود را برجای گذارند. کمپین ثبت‌نام مادر در تذکره الکترونیکی، مبارزات زنان برای تصویب قانون منع خشونت علیه زنان و همگی در همین راستا قابل‌بحث‌اند. در کشوری که همیشه در صدر بدترین کشورها برای زیستن زنان بوده، این تلاش‌ها نشان از پویایی زنان افغان و مسیر طولانی آنان برای رسیدن به برابری است. مسیر دشواری که خطرات زیادی را متوجه زنان می‌کند.

ارمغان طالبان برای زنان چیست؟

با توجه به قدرت‌یافتن دوباره‌ی طالبان و امکان روی کار آمدن آنان و ایجاد نظم سیاسی جدید تحت عنوان «نظام اسلامی/امارت اسلامی»، مهم‌ترین پرسش این است که در وضعیت زنان چه تغییری خواهد آمد؟ سرنوشت دو دهه تلاش‌های زنان در راستای برابری، آزادی‌های فردی - اجتماعی‌شان به چه سرانجامی خواهد انجامید؟

تاکنون دیدگاه گروه عقل‌ستیز طالبان در رابطه با زنان مبهم است. بسیاری از زنان، به‌خصوص آنانی که تجربه شهرنشینی داشته‌اند، نگران تفسیر عقب‌گرای طالبان از آموزه‌های دین اسلام درباره‌ی زنان هستند؛ تفسیری قرون‌وسطایی که زنان را به موجوداتی درجه‌چندم تقلیل می‌دهد. نمایندگان گروه طالبان زمانی که درباره‌ی حقوق و آزادی‌های ابتدایی زنان صحبت می‌کنند، آن را نفی نمی‌کنند، بلکه آن را منوط به چارچوب شریعت اسلامی می‌دانند. با توجه به دیدگاه طالبان از شریعت که به‌شدت تند، خشن و در تضاد با عقل و وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه است، بعید به نظر می‌رسد که بتوان پلی امیدبخش - هرچند نازک - میان حقوق و آزادی‌های زنان با قرائت و تفسیر طالبانی از اسلام ایجاد کرد. بنابراین می‌توان گفت که